



رئیس ستاد انتخابات حاما:

برنامه حزب اراده ملت برای انتخابات
شوراهای شهر و روستا متفاوت از انتخابات
ریاست جمهوری است



سخنگوی حزب اراده ملت ایران

مستقل عمل کردن حزب اراده ملت
به معنای مخالفت با اجماع اصلاح طلبان نیست



هفته نامه غیربرخط اراده ملت سال سوم شماره ۲۷ هفته چهارم اسفند ماه

احمد حکیمی پور در گفتگو با روزنامه مستقل:

خروج حاما از شورای هماهنگی انشعاب نبود بلکه فقط ائتلاف نکردیم

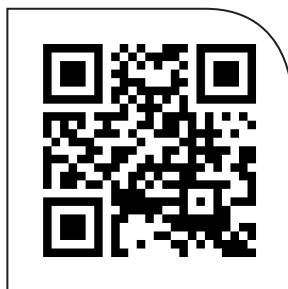
پشت پرده تصمیم می گیرند و به نام جریان اصلاحات تمام می کنند
سرمایه اجتماعی جریان در حال معامله است



تقلیل گرایی گفتمانی
اصلاح طلبان

آه
از این مجلس!

ساختارها و نهادها در ایران
بلاغت یا عقلانیت



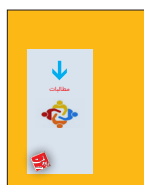
۸



خروج حامای شورای هماهنگی انشعاب نبود بلکه فقط ائتلاف نکردیم

دبیرکل حزب اراده ملت گفت: جریان اصلاحات را به تکنولوژی و ساز و کار برای کسب منصب تبدیل کرده‌اند. در اینجا هم متأسفانه در حال تجارت...

۱۴



لزوم حفظ منابع تجدیدناپذیر و افزایش تاب‌آوری محیط زیست در شهرستان رزن

دبیر حزب اراده ملت ایران در شهرستان رزن با اشاره به شناسایی مطالبات مطرح و دارای اولویت در شهرستان رزن و درگزین، از لزوم حفظ منابع...

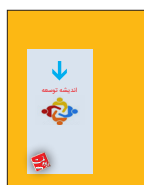
۱۶



ریشه‌ی تکاملی اخلاق انسانی ۱/

رویکرد علمی به حوزه اخلاق شاید در بادی امر بدیه به نظر آید اما دانستن نظر علم و وقوف به آنچه دانشمندان درباره شناخت علمی و مباحث...

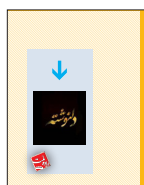
۲۱



ما محکومیم به روز آمدی توسعه اتحاد و گفتگو / ۳

در چرایی بروز چنین شرایطی امروز می‌خواهم به علت و یا آیتم فرهنگی - اجتماعی دیگری تحت عنوان نگاه محفلی به امور و سرنوشت...

۲۴



پاپ در دنیای جدید

شانزدهم اسفند روزی تاریخی بود. پاپ فرانسیس رهبر کاتولیک‌های جهان در نجف به دیدار آقای سیستانی رفت...



هفته‌نامه غیر برخط اراده ملت
سال دوم
هفته چهارم اسفند ماه ۱۳۹۹
شماره ۲۷



صاحب‌امتیاز:

حزب اراده ملت

مدیرمسئول:

در حال تغییر

سردبیران:

علی مهری، رحیم حمزه

نشانی: خیابان اسکندری جنوبی،
نرسیده به خیابان آزادی، بن بست خلیلی

پلاک ۱ واحد ۱

تلفن:

۰۲۱۶۶۵۶۲۳۰۶

تلفکس:

۰۲۱۶۶۵۶۷۸۴۵



این هفته نامه

ارگان رسمی حزب اراده ملت است

سالی که نکوست از بهارش پیداست



رحیم حمزه

بهار را به تماشا باید نشست تا بهار بعدی، فصل ها یکی پس از دیگری می آیند و می روند دور گردون همچنان بر منہج عدل خواهد بود و گذر زمان زیبایی های خود را به رخ خواهد کشید و دانایی ها همچنان بر نادانی ها پیشی خواهند گرفت و حقایق بیش از پیش رخ خواهند نمود و دل ها همدلانہ تر اتحاد و انسجام با یکدیگر را به نمایش خواهند گذاشت و با طبیعت هم.

اما و هزار اما تعیین کننده کماکان اراده ها خواهند بود و بس ... اراده ها در ظهور و بروزشان بی رحمانہ تنوع خود را به رقابت خواهند نشست و سرنوشت های دیگر گونه ای را روایت خواهند کرد. آیا طلب آرزوهای دست نیافتہ همچنان امیدواری ها را زنده نگه داشته و شادکامی و بهروزی را به ارمغان خواهد آورد. کرونا از یک سو و فشارهای ناشی از تحریم ها، بی تدبیری ها و بی کفایتی ها از سوی دیگر تلخی ها را روزافزون کرده و نابرابری ها و نامردمی ها هم.

پایان تلخ کامی های انباشته سالیان در فراسوی افق های دور دست پیشہ ہمیشگی «ملت» گردیدہ غافل از اینکه ہم نشینی با «اراده» در چارچوب «ایران» عزیز می تواند ایامی خجسته را نویدبخش باشد. آری «ارده ملت ایران» متبلور در اندیشه حکمرانی حزبی و دیگر هیچ.

آن وقت، هوا دلپذیر خواهد شد، گل از خاک بر خواهد دمید. پرستو به بازگشت خواهد زد نغمه امید. به جوش خواهد آمد از خون درون رگ گیاه. بهار خجسته فال خرامان خواهد رسد ز راه

بهاران خجسته باد

ساختارها و نهادها در ایران بلاغت یا عقلانیت



علی مهری

تقریباً دو بیست سال پیش جیمز موریه در کتاب مشهور خود در محافل روشنفکری ایران «سرگذشت حاجی بابای اصفهانی» جمله‌ای دارد که به نظرم شاه کلید اصلی ناکارآمدی و توسعه نیافتگی و کم حاصل بودن یا بی حاصل بودن همه تلاش‌ها برای عقب نماندن جامعه ایرانی از قافله پیشرفت و ترقی بشریت در دوران معاصر است: «ایرانی‌ها زمانی که تنها هستند عاقل اند و زمانی که جمع می‌شوند، عقلانیت جای خود را به حماقت و بلاغت می‌دهد.»

پیش از آغاز بحث خوب است اشاره‌ای هم به ساختارها و نهادها داشته باشیم. مانند بسیاری از پدیده‌ها و مفاهیم وارداتی ممکن است بعضی از دوستان که ذهنیت مهندسی دارند زمانی که صحبت از ساختار می‌شود، توجهشان معطوف به سازه‌های صنعتی یا عمرانی شده و یا ذهنیتی حداقلی از مباحث حقوقی و مقررات فوراً به ذهنشان متبادر شود در حالی که ساختارها سازه‌های زبانی انگاره‌ها مانند اسطوره‌های روایی و معنایی باورها نمادها و نشانه‌ها و مجموعه‌ای از بدیهیات و عقل سلیم که پارادایم‌دانی جامعه را می‌سازد و در سایه آن نظم گفتار شکل می‌گیرد و میکرو قدرت را در جامعه سامان می‌بخشد، بدیهی است از این دیدگاه نهادها و ساختارهای حقوقی نیز متأثر شده و منطق آن پدیدار و هستی‌شناسی آن‌ها ظاهر می‌شود. سخن در باب ساختارها و نظم گفتار به این مختصر خلاصه نمی‌شود و لازم است علاقه‌مندان کتاب‌هایی را که درباره تحلیل گفتمان نوشته شده‌اند نیز مطالعه کنند. در ادامه این مباحث به مقولاتی مانند هویت، از خودبیگانگی، سوژه‌شدگی انسان، مرگ مؤلف، حیات طبیعی و فطری و مدنی برمی‌خوریم تا آنجا که فاعل بودن انسان به طور جد در محاق می‌رود و به سان گربه‌ای باز یگوش گرفتار کلاف سردرگمی از بافته‌های خود می‌شویم.

ساخت اجتماعی واقعیت که امروزه از مباحث اصلی رسانه‌های جمعی است نتیجه تحقیق و تأمل در همین مطالعات است. برای مثال وقتی شما وارد سازمان یا اداره‌ای می‌شوید مواجه با ساختاری هستید که به ناچار با رعایت آن ساختار و ادبیات خاص آن می‌توانید ارتباط مؤثر برقرار کرده و منظور خود را پیگیری نمایید. وقتی وارد کلاس درس می‌شوید با ساختار دیگر و ادبیات دیگری هست همین‌طور وقتی در بازار قدم می‌زنید و به خرید می‌پردازید و یا هنگامی که به ترمینال مراجعه می‌کنید و یا در قهوه‌خانه‌ای وارد می‌شوید ادبیات خاصی را ملاحظه می‌کنید این مسأله در جغرافیای انسانی هم صادق است. وقتی به مسافرت تفریحی یا یارتی می‌روید این

تفاوت‌ها را به خوبی می‌بینید و برای برقراری ارتباط مجبور هستید خود را سازگار کنید. همین سازگاری است که از شما خود دیگری می‌سازد. زمانی که صحبت از خصلت‌های یک قوم و ملتی می‌کنید این چنین است این سازگاری با ساختارها و نظم گفتار هم هویت را توضیح می‌دهد و هم از خودبیگانگی را. برای کسی که مسافر است ممکن است از خودبیگانگی باشد و برای کسی که آنجا زندگی می‌کند هویت تلقی شود. همچنین زمانی که نگاه فلسفی به انسان داشته باشید مواجه با مفاهیم حیات طبیعی و فطری و مدنی می‌شوید که مجبور هستید برای بقا تن به نقش‌ها و نقاب‌ها و انتظاراتی که جامعه از شما دارد بدهید. اگر صحبت از خصلت‌ها و رفتارها می‌کنیم نباید آن را از جنبه توهین بنگریم چرا که همه ما مجبوریم خود را با ساختارها وفق بدهیم بنابراین قصد جسارت به خودمان را نداریم بلکه می‌خواهیم انگشت روی ساختارهایی بگذاریم که با ما چنین کرده‌اند و چنین هویتی را برای ما ساخته‌اند. تملق و چاپلوسی و دروغ‌گویی و غیبت و... برای خود شیرینی و ارتقا و محبوب شدن در هر جمعی اجتناب‌ناپذیر است خصوصاً در جوامعی که به مدت طولانی در فاز سیاسی قرار می‌گیرند و فضای ایدئولوژیک را تجربه می‌کنند به تدریج تبدیل به ارزش می‌شوند و بدین سان خصلتی را به ارمان می‌آورند که آن جمع را به سوی بلاغت و حماقت سوق می‌دهند و این چنین نهادهایی شکل می‌گیرند که در آن‌ها عقلانیت جای خود را به بلاغت و نادانی می‌دهد. در این ساز و کار مکانیزم اسطوره‌سازی هم دخالت کرده و زنده‌باد و مرده‌باد و شعارزدگی مجموعه ارزش‌هایی را می‌سازد که می‌تواند ملتی را به مذلت و تیره‌بختی رهنمون شود.

میشل فوکو در کتاب «تولد زیست سیاست» ریشه‌های آزادی بیان را به مفهومی در جامعه غربی می‌رساند بنام پارسیاستس یعنی سخن حق گفتن حتی اگر به قیمت جانیت تمام بشود. کاری که سقراط حکیم کرد و به خاطر سخن حق جام شوکران را نوشید ولی از گفتن حقیقت چشم‌پوشید. یعنی پارسیاستس آن عنصری است که توانسته جامعه‌ای بسازد که ساختارها و نهادهاش بجای بلاغت بر عقلانیت بنا شوند و این تفاوت بنیادین ما با آن‌هاست، داستانی که در همه ساختارها و نهادها ما متأسفانه جاری و ساری است و استثنایی هم ندارد. اگر احزاب ما کار کرد خود را ندارند اگر تشکیلات‌های اصلاح طلبانه و تحول خواهانه و حتی اپوزیسیون هم موفق نیستند به خاطر همین آفتی است که از آن گریزی ندارند یعنی وقتی جمع می‌شویم همه حرف‌های علمی و عقلی خود را فراموش می‌کنیم و شعار مرده‌باد زنده‌باد می‌دهیم تا ارتقا یافته و محبوب شویم و جایگاهی به دست بیاوریم و یا حداقل جایگاه خود را از دست ندهیم. برای تغییر ساختارها و نهادها باید باورهای خود را تغییر بدهیم و وقتی صحبت از اصول و ارزش‌های حقیقی می‌کنیم احساس غربت و تنهایی نکنیم و این اصول مبنای درک و باور مشترک ما و از بدیهیاتی باشد که برای ساختن جامعه نوین نیازمند آنیم.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم
شماره ۲۷

هفته چهارم اسفند ۱۳۹۹

آه از این مجلس!

نمایندگان موضوع چالش برانگیز و مهمی چون مناقشه‌ای هسته‌ای با تراز ملی را صرفاً از زاویه رقابت با دولت و ضربه به آن ملاحظه می‌کنند. برخوردشان کارشناسی و حتی با رعایت ظواهر منطقی هم نیست.

از این زاویه و علی‌رغم انتقادات جدی که متوجه رئیس‌جمهور هست، تا اندازه‌ای حق دارد از حضور در چنین مجلسی استنکاف بورزد، چرا که بدون تردید می‌داند «یکشنبه سیاه» دیگری در مجلس رقم خواهد خورد.

تقلیل منافع کلان و ملی کشور به رقابت‌های سطحی توسط نمایندگان با متوقف کردن روند بررسی بودجه کشور بعد از توافق ایران و آژانس به خوبی هویدا شده است. اگر دغدغه کشور را دارند به جای بررسی کارشناسی مسائل و ایجاد کانال‌های مناسب برای حل و فصل اختلافات مجلس - دولت چرا در این وانفاسی اقتصادی و فشارهای طاق فرسای بر گردهی مردم، معیشت ملت را آچمز رقابت‌های خودشان کرده اند؟! همه‌ی این موارد نشان از این دارد که وقتی ریشه‌ی انتخاباتی کم‌رمتی داشته باشید و اساساً در حد و اندازه‌های این جایگاه نباشید، با هر بادی توازن رفتارهای معقول و متناسب نخواهی داشت! به شکل کلی و قاعداً ظرف و مظروف باید متناسب باشند در غیر این صورت جداره‌ها، لایه‌ها و شتون و جودی ظرف آسیب جدی خواهند دید! آنچه این نمایندگان با مجلس کرده‌اند، هیچ رقیبی نکرده است! آنها شأن خودشان، مجلس و آنچه مسیر را برای حضورشان در مجلس ریل‌گذاری کرده را یکجا به باد داده‌اند! آقایان نماینده جاده‌ی سیاست ملی و بین‌المللی اتوبان نیست، پیچ و خم، دست‌انداز و ظرفیت زیادی دارد، کمی از سرعتتان بکاهید!



سید قائم موسوی

پژوهشگر و تحلیلگر سیاسی و عضو دفتر سیاسی حزب اراده ملت ایران

ghaemmousavi745@gmail.com

تاکنون برای بحران هسته‌ای ایران انواع نسخه رنگارنگ پیچانده شد. بعد از مصوبه مجلس برای توقف اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی (۵ اسفند)، دو روز قبل و با حضور مدیر کل آژانس توافق کوتاه‌مدتی با دو ملاحظه صورت پذیرفت.

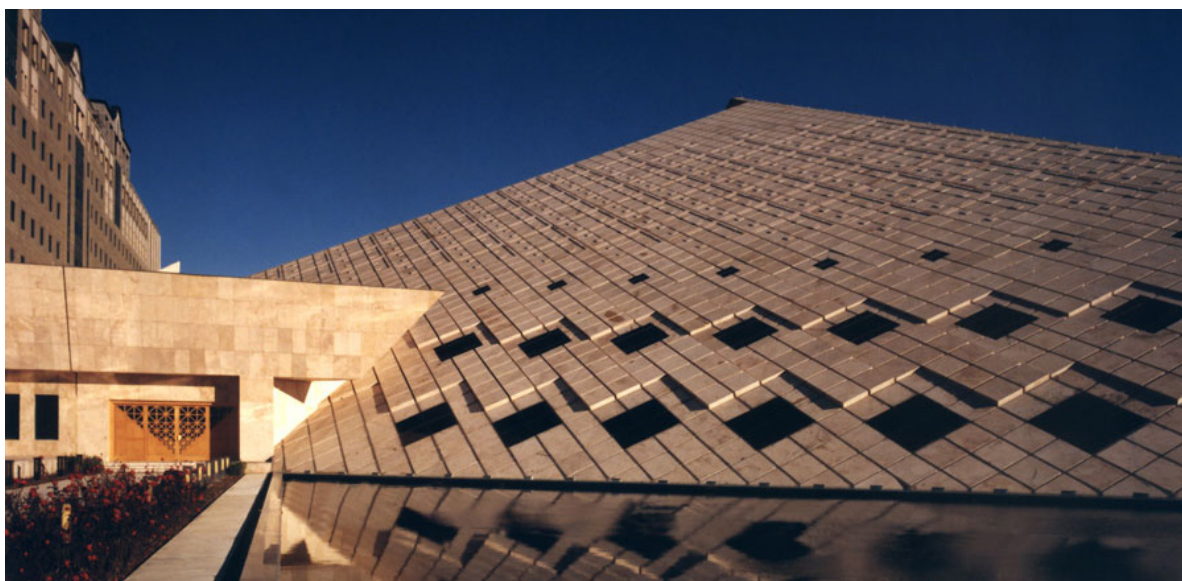
تلاش برای ممانعت از بحرانی‌تر شدن فرجام این مناقشه از یک سو و عمل به مصوبه‌ی مجلس از سوی دیگر! ظاهراً رئیس مجلس نیز در جریان روند امور قرار داشت. با این وجود و علم به اینکه توافقی در این سطح و این ظرفیت بدون موافقت ضمنی کلیت نظام امکان انعقاد نداشت، مجلس مهار سخن و رفتار را یکسره از دست داد و طوفانی از خشم و هیاهو به راه انداخت.

مجلسی با این سطح از هیجان و عصبیت غیر قابل درک است! ایجاد تشنج بدون نگاه ریشه‌ای و راهبردی به مسائل نشانگر کم‌عمق بودن ظرفیت‌های سیاسی - امنیتی اعضای آن از یک طرف و فقدان مدیریت منسجم قدرتمندی در مجلس از طرف دیگر است. نوع گفتار و روان‌شناسی رفتار آنها به خوبی مشخص می‌کند که دغدغه‌ی اهداف کلان کشور را ندارند و صرفاً پشت این گونه مفاهیم برای اهداف کوتاه‌مدت و جناحی سنگر گرفته‌اند.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم
شماره ۳۷
هفته چهارم اسفند ۱۳۹۹



تقلیل گرای گفتمانی اصلاح طلبان



زهره رحیمی
عضو شورای مرکزی حزب اراده ملت ایران

rahimi_zozo2003@yahoo.com

آنچه در انتخابات سال های اخیر از سر جریان اصلاح طلبی و اصلاح طلبان، در فرایند ائتلاف های گاه و بیگاه با نیروهای اعتدال و اصول گرای معتدل گذشته است، می توان از زوایای متفاوتی تحلیل و بررسی کرد. اینجا در این یادداشت کوتاه، بر آنم تا به لزوم پرهیز از تقلیل گرای گفتمانی اصلاح طلبان تأکید داشته باشم.

گویا بخش پرآوازه ی اصلاح طلبان در هنگام رقابت انتخاباتی، زیر بار تقلیل آرمان می روند اما به تقلیل سهم، تن نمی سپارند!

در جوامعی که استانداری از آزادی و تکرر در سپهر سیاسی برقرار است، کنشگران سیاسی در حضور و مشارکت مداوم، پویا و فعالانه به ورطه ی تردید نمی افتند. حتی رقابت های دشوار با چالش ها و نشیب های نفس گیر نیز، مانع از آن نمی شود که کنشگران سیاسی در چنین جوامعی، در مشارکت و یا در رقابت سیاسی به خود تعللی راه بدهند؛ اما در سپهر سیاسی انحصارطلبانه ای چون ایران، در بین فعالین سیاسی روی مداومت و فراگیری مشارکت، اتفاق نظر وجود ندارد. یعنی توافقی بر سر این نیست که در تنگنای استصواب یا تهی شدن معنای رقابت و یا انحصار و تحمیل سیاسی، کی کنش سیاسی، کجا مقاومت سیاسی و چه زمان مبارزه سیاسی، بایسته و شایسته است؟

این عدم تفاهم و توافق تنها بین چهره های اصلاحاتی، گروه ها و احزاب سیاسی اصلاح طلب نیست بلکه یکی از پرچالش ترین و عمیق ترین محورهای تنش را در تصمیمات درون تشکیلاتی یک حزب نیز هست؛ یعنی درون یک تشکیلات سیاسی نیز، عدم تفاهم روی این امر وجود دارد که با توجه به شرایط کجا مشارکت و کجا سکوت، کجا رقابت و کجا ائتلاف، کجا تعلیق و کجا تحریم، صورت عملی پیدا کند؟ این کشمکش حتی درون یک تشکیلات واحد هم می تواند به پرمناقشه ترین محور بدل شود.

اما این اختلاف نظر ها، چه ارتباطی با بحث تقلیل گرای گفتمانی اصلاح طلبان دارد؟ پس از پایان دوران دولت اصلاحات و وضعیتی که با روی کار آمدن دولت بهار پیش آمد و در پی آن طبیعتی دوم این دولت که کشور را با بزرگ ترین شکاف اجتماعی، پس از شکاف های دهه اول انقلاب روبرو کرد، هسته مرکزی قدرت،

سپهر کنشگری و رقابت سیاسی را تنگ تر و محدودتر از پیش کرد، طوری که پس از حذف اپوزسیون، دگراندیشان، تحول خواهان، ملی مذهبی ها، گروه های روشنفکری، جریانات مدافع حقوق زنان و فعالین اقوام از رقابت های سیاسی کشور که در دو دهه ی نخست پس از انقلاب روی داده بود، این بار نوبت به حذف اصلاح طلبان در دهه ی چهارم رسید که خود، هواداران گفتمان خمینی فقید بودند و با مشی مسالمت جویانه و قانون مدارانه ی خویش، مبارزه مدنی و مقاومت سیاسی را در چارچوب نظام نقد می کردند و خود را محافظ چارچوب می شمردند. ناکامی اصلاح طلبان در دستیابی به کرسی های قدرت در شکست های پیاپی انتخاباتی از ۸۴ تا ۹۰، آن چنان نگرانی از حذف، برای این جریان ایجاد کرده بود که پس از آن، انتخابات از پی انتخابات، به ائتلاف های بین جناحی تن دادند و بازی گردانان قدرت، صحنه رقابت انتخاباتی و میدان کنشگری را تنگ تر و بی مایه تر کردند، اصلاح طلبان مصرانه با تغییر ماهیت خود، در این زمین تنگ و بی رمق، باز هم حضور خویش را حفظ کردند و مشغول به بازی شدند. این در حالی بود که از سوی دیگر، برای جلب مخاطبان بیشتر در کارزار انتخابات، دست به گسترش دایره ی شعارها می زدند و طیف های حتی نامرتبط با گفتمان خویش را نیز به خود فرامی خواندند.

در همین بزرگراه های انتخاباتی و یا کوران مطالبات اجتماعی بود که بخش بزرگی از بدنه ی اجتماعی این جناح و معدودی از پیش کسوتان اصلاح طلبی، این تقلیل گرای گفتمانی ناشی از ائتلاف را نقد می کردند و آن را آسیب و انحرافی از جریان و گفتمان اصلاح طلبی اصیل می شمردند. آن ها معتقد بودند که اصلاح طلبان باید بر اصل گفتمانی خویش وفادار بمانند و خود را با سازوکار و فرایندهای غیردموکراتیک و نامزدهای اجاره ای همراه نکنند و نیالیند و تمنا ی آویزانی از قدرت به هر قیمت را به دست فراموشی بسپارند.

این بخش از اصلاح طلبان منتقد، مدعی بودند که این جریان باید علی رغم فشارها و محدودیت های حکومت، کنار گروه هدف و بدنه ی اجتماعی خویش بایستد و بر شعارها و مطالبات گفتمانی خود پافشاری کند، حتی به قیمت رد صلاحیت های مکرر و محدودیت های گسترده و از کف دادن فرصت رقابت و قدرت!

این منتقدان درون گفتمانی، معتقد بودند که چنین تعهدی، علاوه بر اصیل نگه داشتن جریان اصلاح طلبی، موجب می شود که آرام آرام تعاملات و پیوندهای اجتماعی بین مردم و اصلاح طلبان به شکلی عمیق و معتمدانه برقرار گردد و



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم
شماره ۲۷

هفته چهارم اسفند ۱۳۹۹



هفته نامه غیر ب
اراده

سال

شمار

هفته چهارم اسفند

اصلاح طلبان

آن را، نوعی تقلیل گرایی در کارکرد سیاسی خود برمی شمردند. تفسیر آنها از بی توجهی به قدرت، این بود که احزاب در شرایط بی قدرتی، به قدوقامت سمن یا NGO، تقلیل پیدا می کنند و این تحلیل را، همواره چون تهدیدی نام می برند و این بی قدرتی برای بسیاری شان گران تر و پرهزینه تر از آن است که آن را برتابند؛ لذا انتخابات به انتخابات حاضر شدند تا به قیمت تقلیل گفتمانی و آرمانی، برای ائتلاف های بین جناحی حتی پیش گام شوند تا صحنه حضور و رقابت انتخاباتی را به خیال خویش برای خود محفوظ نگه دارند که البته آن هم با گذشت زمان جز به صورت خیالی خوش باورانه نمود نیافت!

اکنون پرسشی که دوباره در آستانه انتخاباتی دیگر جان گرفته است، پرسشی هر چند تکراری است. اما کماکان بسیاری، پاسخ های تکراری، ناکارآمد و پرهزینه گذشته را به آن می دهند. اینکه با چنین، تمامیت خواهی و اقتدار عریانی از سوی قدرت مرکزی و با وجود قطبی شدن چشمگیر جامعه - حکومت، کدام بخش از اصلاح طلبان؛ تقلیل گرایی گفتمانی و کدام بخش از آن ها تقلیل در کارکرد تمناي قدرت را انتخاب خواهند کرد؟

گفتمان اصلاحات بتواند در بستر این رابطه اعتماد آفرین، به روشنگری در جامعه و پرسشگری و مطالبه گری خالص خود از حکومت بپردازد و آرام آرام در این بستر گفتمانی اصیل، جامعه مدنی تشکیلاتی را نیز صورت عملی ببخشد؛ اما دغدغه ی پرهیز از تقلیل گفتمانی به قیمت کسب قدرت، اگرچه با استقبال و تمنای بدنه همراه بود اما تنها از سوی معدودی از نیروهای ارشد در درون جریان همراهی می شد، طوری که هرگونه صدای نقاد و معترضی در درون جریان، با هژمونی اکثریت شورایی، نادیده گرفته شده و خاموش می شد. بهانه های هواداران این هژمونی، این بود که چنانچه اصلاح طلبان ساز و کارها، تصمیمات، موضع گیری ها و نامزدهای خود را متناسب با قواعد بالادستی حکومت و اقتضائات فضای موجود در قدرت سیاسی، تنظیم نکنند و به نوعی خود را با خط کش تعریف شده ی حاکمیت در صحنه قدرت سیاسی ایران، همساز نکنند باید برای همیشه عطای کرسی ها را به لقایش ببخشند. چرا که این جریان هژمونیک نیز به تعبیر خویش، داشت از تقلیل کارکردی اصلاح طلبان در زمین قدرت مرکزی پیشگیری می کرد.

آن ها کنار ماندن از رقابت، پذیرش رد صلاحیت های مکرر و بی قدرتی پیامد



مصاحبه





احمد حکیمی پور در گفتگو با روزنامه مستقل:

خروج حامای شورای هماهنگی انشعاب نبود بلکه فقط ائتلاف نکردیم

**پشت پرده تصمیم می گیرند و به نام جریان اصلاحات تمام می کنند
سرمايه اجتماعي جريان در حال معامله است**

اگر به اجماع نرسند همان مشکل هميشگي جريان اصلاح طلبان اتفاق مي افتد و هر کسي ساز خودش را مي زند و تجربه اي بدتر از ۸۴ اتفاق مي افتد. اما در نهايت ما حرف وحدت را مي زنيم.

● در صورت شکست در انتخابات ۱۴۰۰ اصلاح طلبان چه شرايطي پيدا مي کنند؟ به جامعه برمي گردند يا باز هم براي قدرت تلاش مي کنند؟

در اين زمينه هر کسي پاسخ خودش را مي دهد. ما بر اساس دريافت هايي که از طريق حزب حزبمان داشته ايم، از کشمکش براي قدرت فاصله گرفته ايم و در انتخابات پيش رو اعلام کرده ايم کانديداي اختصاصي نداريم و جهت بحث سياست هاي خرد و منطقه اي و محلي که بيشتر با مردم و خواسته هاي گسترده آن ها در ارتباط باشيم تلاش مي کنيم. اما اينکه کليه احزاب جريان اصلاحات چه رويکردي را در اين صورت انتخاب مي کند به نظر من هر حزبي پاسخ خودش را دارد و جريان به طور کلي نمي تواند یک پاسخ واحد دهد. حزب ما از تابستان امسال که تصميم گرفتيم مستقل کارمان را ادامه دهيم چنين سياستي را پيش گرفتيم.

● چرا حزب شما وارد اين ساز و کار نشد؟ چه برنامه اي را فارغ از نهاد اجماع ساز دنبال مي کنيد؟

ديبر کل حزب اراده ملت گفت: جريان اصلاحات را به تکنولوژي و ساز و کار براي کسب منصب تبديل کرده اند. در اينجا هم متأسفانه در حال تجارت اعتماد هستند.

از طرفي مطالبات خرد و کارگري به علت تسلط تفکرات ليبراليستي در ميان اصلاح طلبان و در ائتلاف با کارگزاران عميقاً به حاشيه رفته است و کارگران نيز اصلاح طلبان را صداي خود نمي دانند و در صحنه عمل، اهميتي نيز براي ساز و کارهاي اصلاح طلبانه و تمام اتفاقاتي که ميان آن ها مي افتد قائل نيستند. زيرا تضاد دو گانه بغرنجي که ميان اصلاح طلبان وجود دارد نه تنها باعث دستيابي به یک سياست مشخص نشده است بلکه به سرگرداني و از دست دادن سرمايه اجتماعي نيز منجر شده که به مرور زمان شاهد افزايش شکاف ميان اصلاح طلب - مردم هستيم.

به جهت بررسي مسائل فوق گفتگو کرديم با احمد حکيمي پور، ديبر کل حزب اراده ملت، نماينده مجلس چهارم و عضو شوراي شهر اول و چهارم تهران که مشروح آن را مي خوانيم:

● آيا نهاد اجماع ساز مي تواند به یک کانديداي واحد دست پيدا کند و مورد قبول جامعه قرار گيرد؟ يا تجربه ۸۴ و چند دستگي ميان اصلاح طلبان پيش مي آيد؟ من اميدوارم نهاد اجماع ساز بتواند به یک کانديداي واحد دست پيدا کند چون به همين دليل نيز تشکيل شده است، البته از الان نمي شود قضاوت کرد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم
شماره ۲۷
هفته چهارم اسفند ۱۳۹۹

شورای هماهنگی به آن تصمیمات و جبهه حقوقی می دهند. از نظر من مشکل اساسی در جریان اصلاحات حاکمان بی حکم است یعنی کسانی که از طرف جریان تصمیم می گیرند اما معلوم نیست این جایگاه و موقعیت را از کجا کسب کرده اند و با چه فرایند حقوقی این وظیفه و مسئولیت را دارند. همین بحثی که به عنوان مناسبات پنهان مطرح کردم مشخص می کند عده ای غیر پاسخگو خود را تولیت جریان اصلاحات مطرح کرده اند و زنگوله دار جریان اصلاحات اند.

من اسم این ها را حاکمان بی حکم گذاشته ام و عملاً جریان اصلاحات از این رفتارها و مناسبات محفلی و پنهان رنج می برد و متأسفانه تاکنون نیز برای آن چاره جویی نشده و در نهادهای خود به این تصمیمات رسمیت می دهند و جالب است که آن افراد تصمیم گیر در جلسات حضور ندارند. این رفتار کنش اصلاح طلبانه نیست.

این یکی از سؤالات اساسی ماست. جریان اصلاحات را به تکنولوژی و سازو کار برای کسب منصب تبدیل کرده اند. در اینجا هم متأسفانه در حال تجارت اعتماد هستند. سرمایه اجتماعی که جریان اصلاحات دارد به شدت در حال معامله است. این پروسه جدال برای قدرت و شهرت است نه جدال برای مشکلات مردم و مردم این اتفاقات را دیگر بر نمی تابند.

این بحث ها صحبت الان هم نیست در دوران شورای اول هم این بحث ها را با دوستان کارگزاران و مشارکت داشتیم و می گفتم مسئله ی تهران مسائل اقشار پایین است؛ از خیابان انقلاب به پایین را ببینید، نه مسائل فانتزی و بالاشهری؛ لذا اصلاحات اگر به عمق نرود به حاشیه می رود تا حرف هم می زنیم می گویند دارید ما را تضعیف می کنید.



ما از اول با جریان اصلاحات آمدیم به امید اینکه از تجربه ۸۴ درس بگیریم. ما اصلاً آن زمانی که دوره ۸ ساله آقای خاتمی بود در آن جبهه نبودیم و مستقل عمل می کردیم بعد از اینکه مجلس و دولت را اصلاح طلبان از دست دادند به امید اینکه نقد گذشته را انجام دهیم و اندوخته هایمان را به کار بگیریم در جریان حضور داشتیم تا اینکه بعد از ۹۲ دیدیم دوباره در ۹۴ و ۹۶ در به همان پاشنه می چرخد یعنی نه تنها درسی گرفته نشده بلکه متأسفانه وضعیت بدتر شده است. مناسبات پنهان و محفلی حرف اول را می زند و در واقع احزاب عملاً زینت المجالس هستند و عده ای در قالب احزاب نظر اتشان را توجیه می کنند. این شد که از سال ۹۴ نقدمان را در قالب نامه ای دو صفحه ای نوشتیم که به تمامی دبیر کل های احزاب داده بودیم. اتفاقات ۹۶ هم که اتفاق افتاد به امید این بودیم که در سه حوزه، ساختار، گفتار و رفتار تدبیری بشود و آسیب شناسی جدی لازم بود. از فاصله انتخابات ۹۶ تا مجلس یازدهم دو سال هم وقت گذاشتیم تا ساز و کار درستی میان اصلاح طلبان شکل بگیرد و بحث حول پارلمان اصلاحات مطرح شد و کار خوب پیش می رفت اما با کارشکنی دوستان کار متوقف ماند و متوجه شدیم با این ساز و کارهای اصلاح طلبان اراده ای نیست و عده ای فکر می کنند تولیت اصلاحات دستشان است و ثبت برابر با سند جریان اصلاحات شده اند؛ لذا حزب تصمیم گرفت به عنوان یک حزب مستقل اصلاح طلب واکنش هایی داشته باشد نه اینکه بخواهیم کارشکنی کنیم، در بعضی موارد هم از وحدت نظر میان اصلاح طلبان حمایت می کنیم اما احساس کردیم انرژی مان در حال تلف شدن است و از ساز و کارهای اصلاح طلبان کنار کشیدیم هر چند از جریان اصلاح طلبی خارج نشدیم.

● آیا شما از نظر ساختاری دست به یک انشعاب زده اید؟ گفتمانی که دنبال

می کنید چه تفاوت مشخصی با اصلاح طلبان مر سوم دارد؟

حرکت ما انشعاب نبود. ائتلاف ها نیز موقت اند و معمولاً در زمان انتخابات این اتفاق می افتد، ائتلاف یک امر ثابت نیست و هر حزبی مجوز پروانه فعالیت خودش را دارد. ما هر زمان لازم بدانیم با احزاب هم سوائتلاف می کنیم اما این طور نیست که خودمان را در چارچوب ائتلاف حبس کنیم. کل بحث ما در ارتباط با گفتار این بود که جریان اصلاحات از گفتار اصلی انقلاب که بحث عدالت اجتماعی و پیگیری مطالبات محرومین و اقشار آسیب پذیر جامعه است فاصله گرفته و در حال تبدیل به یک گفتار روشنفکری است و از درداصلی انقلاب که مردم هستند در حال فاصله گرفتن است و رویکرد ما یک رویکرد سوسیال دموکرات است. در میان اصلاح طلبان معلوم نیست افراد چه موضعی دارند، یک عده لیبرال دموکرات اند، یک عده هم اصلاً باوری ندارند و حرف ها یک کاسه نیست اما برای ما عدالت خیلی مهم است. در بحث ساختار نیز، ساختار شفافیت وجود ندارد و رفتارها نیز اصلاح طلبی نیست. جریان اصلاح طلب ویژگی هایی در عمل دارد و نوعی کنش برای حل مشکلات جامعه است که با انقلاب و روش های رادیکال فاصله دارد لذا معتقدیم این کنش چند ویژگی اساسی دارد، صداقت، شفافیت، پاسخگویی، پاک دستی و قانون مندی است حالا اگر به هر دلیلی این رفتارها به رفتارهای فرصت طلبانه تبدیل شود که چنین کنشی را هم دیده ایم به معنای فاصله از جریان اصلاح طلبی است.

● مشخصاً در چه مواردی انحصار طلبی و فرصت طلبی را میان اصلاح طلبان

دیدهاید؟

مشخصاً در بستن لیست ها و تصمیماتی که به نام کل جریان، اما در مناسبات پشت پرده گرفته می شود. عده ای تصمیم می گیرند و به نام کل جریان اصلاحات تمام می کنند، در نهایت هم پاسخگو نیستند.

مثلاً ما فهمیدیم قبل از انتخابات شوراها درباره شهردار و موارد دیگر تصمیم گیری شده و عده ای نشسته، بریده و دوخته اند که هیچ کدام از این مسائل در جلسات شورا هماهنگی مطرح نمی شد. مثلاً دعوایی که بین آقای میردامادی و کرباسچی سر قضیه آقای نجفی پیش آمد مشخص شد که من گفتم اینجا چه خبر است اینجا باید احزاب تصمیم گیر باشند. گویا کرباسچی مخالف شهردار شدن نجفی بوده و این مسئله را هم سریعاً درز گرفتند و مشخص شد در جای دیگری عده ای تصمیم می گیرند و در



سیاسی و تبلیغاتی پیدا کرده است و ما اصلاً در این زمینه نمی‌خواهیم شعار دهیم ولی تلاشمان را می‌کنیم تا مطالبات را ببینیم و دنبال کنیم و اگر راه حلی داریم آن‌ها را ارائه دهیم. ما در آخرین بیانیه‌ای که در سال ۹۷ داشتیم به سندیکاها اشاره و تأکید کردیم و فضایی ایجاد شد تا این‌ها بتوانند مشکلات کارگران را حل کنند نه اینکه از کارگران به عنوان یک مورد تبلیغاتی یاد شود بلکه باید به عنوان یک وظیفه ملی به آن‌ها کمک شود. به هر حال بحث صنفی و اقشار و اصناف و کارگران برای ما اهمیت دارد و در واقع به نیروها نیز گفته‌ایم که این گونه مطالبات کارگری و مسائل محیط زیستی را شناسایی کنند که برای رفع آن‌ها چه می‌توان کرد و سه مشکل مردم را در این حوزه‌ها بخصوص در طبقات فرودست در حال پیگیری و ارائه راهکار دارند. ما سیاست ورزی از پایین را داریم پیش می‌بریم و گفته‌ایم به هیچ وجه این کارها نباید جنبه تبلیغاتی داشته باشد تا مردم اعتماد کنند و حس نکنند این‌ها را سرپل کرده‌ایم. کار تشکیلات از نظر ما این است که باری از دوش ملت بردارد نه اینکه باری بر دوش مردم شود.

● جوانانی که خواهان پیگیری مطالبات کارگری هستند از سوی اصلاح‌طلبان به چپ‌زدگی و مارکسیست بودن منتسب می‌شوند و بایکوت می‌شوند نظر شما چیست؟
مطالبات کارگری که حتماً مارکسیستی نیست. قبل از مارکس گفته‌های پیامبر را هم بخوانید. روشن‌فکر بازی در ایران انتها ندارد، بحث‌های شیک در کافه‌ها جریان دارد اما حل مشکلات کار هر کسی نیست.
● سخن آخر
امیدوارم جناح‌های سیاسی از روزمرگی بیرون بیایند و از طرفی حکومت نیز احزاب را جدی بگیرد و به چشم همراه نگاه کند. به هر صورت امیدوارم جریان اصلاحات بتواند به هدفی که دنبال آن است دست یابد.

● آیا خاتمی محوری هنوز مدنظر اصلاح‌طلبان است یا دوران کاریزماها به اتمام رسیده است؟ چرا هیچگاه اصلاح‌طلبان به مطالبات کارگری توجه نکردند؟ و کارگران هم هیچگاه اصلاح‌طلبان را به عنوان پشتوانه خود حساب نکردند؟ تصور کنید خاتمی به کارگران هفت تپه بگوید به خانه‌هایتان بروید چه برخوردی با او می‌شود؟

نه تنها کارگران بلکه کارمندان هم همین‌طور؛ ما می‌گوییم اقشار مزدبگیر و حتی مزدنگیر! یعنی بیکاران از سوی جریان اصلاحات فراموش شده‌اند و این خیلی بحث غریبی است در حالی که اساساً اگر ریشه این جریان را در خط امام جستجو کنیم صحبت‌ها واضح و مشخص است. متأسفانه باب بحث درون‌جریانی کاملاً مسدود است؛ دوستان ما دائماً می‌خواهند با رقیب مناظره کنند در حالی که داخل خودشان مشکلات زیاد است و تابه‌حال بحث نکرده‌ایم. باید بحثی کنیم که مردم در جریان باشند. برخی دوستان از موضع تولیت می‌گویند نقد باید زمانی شروع شود که ما صلاح می‌بینیم. در جریان اصلاحات عده‌ای فکر می‌کنند کلیددار این جریان هستند که

بگویند چه کسی اصلاح‌طلب است یا اصلاح‌طلب نیست. اصلاح‌طلبی در جامعه ایران مانند رودخانه‌ای از زمان صنعتی شدن روان است و ادامه دارد و در حوزه سیاست هم صرفاً نیست، در حوزه‌های دیگر هم جامعه ایران مسیر خودش را طی می‌کند. اینکه اصلاح‌طلبان چقدر مسیر خودشان را با مردم منطبق کنند بحث اصلی است. تدبیرها با تحولات روز جامعه هماهنگ نیست و این تغییر فاز باعث شده اصلاح‌طلبان نه تنها با جامعه جلو نروند بلکه عقب برمی‌گردند. تا جریانی تحلیل خود را با تحولات عینی جامعه تطبیق ندهد این جریان در دوره گذار جامعه ایران، دور خودش می‌چرخد و فکر می‌کند در حال حرکت است.

● شما چه برنامه‌ای برای کارگران دارید؟ آیا اصلاً پیوندی با آن‌ها دارید؟
مسئله کارگران و مطالبات آن‌ها یک ژست



ما هر زمان لازم بدانیم با احزاب هم سو
اتلاف می‌کنیم اما این طور نیست که
خودمان را در چارچوب ائتلاف حبس کنیم.
در میان اصلاح‌طلبان معلوم نیست افراد
چه موضعی دارند، یک عده لیبرال
دموکرات‌اند، یک عده هم اصلاً باوری
ندارند و حرف‌ها یک کاسه نیست اما
برای ما عدالت خیلی مهم است

رئیس ستاد انتخابات حاما:

برنامه حزب اراده ملت برای انتخابات شوراهای شهر و روستا متفاوت از انتخابات ریاست جمهوری است

در انتخابات ریاست جمهوری منتظر شرایط عمومی کشور و برنامه های نامزدها هستیم اگر فضا مهیا باشد وارد این کارزار انتخاباتی نیز خواهیم شد

می کند بلکه اجازه می دهد که مردم بتوانند نامزدهای حزب ما را به صورت علمی و نه بر اساس شخصیت یا احساس و قرابت قومی مورد ارزیابی قرار دهند. این روش این امکان را به جامعه می دهد که نماینده را نسبت به برنامه اش پاسخگو کند و مجموعه حزب را متولی نامزد بداند. وی افزود: از این رو ما تاکنون در ۸ دفتر حزبی دارای نامزد، برنامه خود برای شوراهای شهر را تدوین کرده ایم و از طرفی نامزدهای خود را نیز تحت آموزش و پشتیبانی قرار داده ایم که بتوانند نمایندگان شایسته ای برای حزب باشند. دغدغه های مادر این مرحله این است که نتوانیم برنامه خود را به طور کامل در فرصت موجود به جامعه ارائه نماییم چرا که تبلیغات انتخاباتی در ایران فردمحور و منحصر به زمان کوتاه قبل انتخابات است و حتی در دوره قبل به ما این اجازه را ندادند که ستاد حزبی برزیم و تأکید داشتند که ستادها باید به نام نامزدها باشد.

فرهانچی خاطر نشان کرد: دومین دغدغه ما حذف نامزدهایمان به شیوه ها و دلایل مختلف است. طبعاً اگر ما این فراغت را داشتیم که خود حزب مرجع تأیید صلاحیت نامزدها باشد بسیار دقیق تر و علمی تر می توانستیم افراد شایسته را به جامعه معرفی کنیم. با مکانیسم فعلی قبل از اینکه ما صلاحیت مدیریتی و فنی نامزد را در نظر بگیریم باید دغدغه نهادهای مداخله کننده دیگر را داشته باشیم و این باعث شده است که بضاعت ما برای معرفی نیروهای واقعاً توانمند و کارآمد محدود شود و البته دغدغه سوم این است که جامعه به دلایل متعدد که بسیاری از آنها قابل درک است تمایل چندانی به مشارکت در انتخابات نشان نمی دهند و توان و بضاعت مادر زمینه انگیزه بخشی به جامعه بسیار محدود است تاکنون علائمی از سوی نهادهای متولی برای اصلاح این مشکل دریافت نکرده ایم. وی با اشاره به جزئیات برنامه حزب اراده ملت برای حضور در انتخابات، گفت: مرحله اول کار برای فصل زمستان طراحی شده است. ما از دی ماه از اعضای حزب که خود را برای ورود به شوراها توانمند احساس می کردند دعوت کردیم تا در مجموعه ای از کارگاه های آموزشی شرکت کنند تا هم توانمندی خود را بالا ببرند و هم ما بتوانیم ارزیابی دقیق تری از ایشان به دست آوریم. در این کارگاه ها ضمن آموزش مسائل قانونی به نامزدها در مورد مدیریت شهری، سازمان های مردمنهاد، روش کار گروهی و نحوه تعامل با نهادهای حاکمیتی صحبت و تلاش شد باتوجه به تجربه پیشینیان تصویر دقیقی از امکانات و اختیارات شوراها به نامزدها داده شود. هم زمان در دفاتر حزبی که نامزدها از سوی آنها معرفی شده بودند کارگاه های برنامه نویسی برگزار شد و اعضا دفاتر موظف شدند برای شهر خود یک برنامه مشخص، شفاف و قابل تحقق بنویسند که در آینده مورد استفاده نامزدها قرار گیرد. این اقدامات در فصل زمستان عملیاتی شدند.

قائم مقام حزب اراده ملت در پایان تصریح کرد: در مرحله دوم که بعد از ثبت نام نامزدها صورت خواهد گرفت، ما هم نامزدها و هم برنامه های نامزدها را اصلاح و گزینش می کنیم و در مرحله سوم و در اردیبهشت ماه، در مورد نحوه ورود به تبلیغات انتخاباتی و حضور در ائتلاف ها اقدام خواهیم کرد و نهایتاً در هفته منتهی به انتخابات با مردم سخن خواهیم گفت.

افشین فرهانچی قائم مقام دبیر کل و رئیس ستاد انتخابات حزب اراده ملت درباره آخرین تحرکات حزب اظهار داشت: دو میراث بزرگ جنبش مشروطه محدود کردن قدرت حاکمان به قانون و تشکیل مجلس قانون گذاری از طریق انتخابات بوده است و بعد از مشروطه با مبارزات پیگیر مردم در مقاطع مختلف، انتخاب حاکمان از طریق صندوق های رأی نیز به این دستاوردها اضافه شد. وی افزود: ما به عنوان کنشگران سیاسی باید تمام تلاش خود را علی رغم کاستی ها و نارسائی های موجود در پاسداشت این میراث گران قدر انجام دهیم، لذا انتخابات فی حد ذاته ارزشمند است. اما برای رسیدن به یک حکمروایی مطلوب هنوز کارهای زیادی در ایران باید صورت گیرد.

به اعتقاد فرهانچی، یکی از این اقدامات پاسخگو کردن حاکمان و دیگری حرکت بر مبنای برنامه ریزی است. برای تحقق این دو امر، تجربه بشری مکانیسم حزب را ابداع کرده است. ساختار و نظام حزبی با مجموعه ای از کارکردها نظیر نیروسازی، بسیج مردمی، برنامه ریزی بلندمدت، پیگیری نظام مند مطالبات و برقراری رابطه تعاملی بین حاکمیت و مردم می تواند ما را به حکمروائی مطلوب نزدیک تر کند.

قائم مقام حزب اراده ملت ایران افزود: در ایران علی رغم مجاهدتها و تلاش های بسیاری که صورت گرفته است هنوز نظام حزبی جا نیفتاده است و در این شرایط بسیاری از کارکردهای حزبی محقق نمی شوند. شما اگر به سایر کشورها بنگرید می بینید که در همه آنها به جز کشورهایی که انتخاب حاکمان با مکانیسم های قدیمی موروثی است این احزاب هستند که به عنوان بازوان اجرایی توده مردم عمل می کنند و در امور مختلف سیاسی همراه و مشاور مردم هستند. نظام حزبی با مجموعه کارکردهایش می تواند به تدریج و بدون خسونت توسعه و پیشرفت کشور را گام به گام محقق کند.

وی ادامه داد: با این نگاه ما در سیستم حزبی خود تلاش داریم که این مجموعه کارکردها را محقق سازیم. فضای انتخابات، بستر مناسبی برای محقق ساختن و نتیجه گرفتن از این کارکردها است. باتوجه به اینکه ما در انتخابات ریاست جمهوری، نامزد اختصاصی نداریم باید منتظر شرایط عمومی کشور و برنامه های نامزدها بمانیم تا در فرصت مناسب در صورتی که امکانات و فضای لازم مهیا باشد با برگزیدن فرد مناسب وارد فرایند انتخابات شویم.

فرهانچی با بیان اینکه برنامه حزب اراده ملت برای انتخابات شوراهای شهر و روستا متفاوت از انتخابات ریاست جمهوری است، گفت: جنس انتخابات شورای شهر با ریاست جمهوری فرق دارد و هم به مسائل روزمره مردم در سراسر کشور مرتبط است. شهرها و روستاها محل زندگی و کار همه ما هستند و مدیریت آنها به طور روزانه ما را متأثر خواهد کرد.

قائم مقام حزب اراده ملت تأکید کرد: حاما از مدت ها قبل تلاش کرده است که ضمن برگزیدن افراد شایسته خویش، آنها را با مجموعه برنامه هایی توانمند سازد و در قدم بعدی برای تمام شهرها یا روستاهایی که نامزد اختصاصی داشته باشد برنامه ارائه دهد. داشتن این برنامه جدا از اینکه مدیریت شهری یا روستائی را بسا



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم
شماره ۲۷
هفته چهارم اسفند ۱۳۹۹



مسئول کمیته امور شعب حزب اراده ملت ایران

در آستانه انتخابات فعالیت شعب حامادر سراسر کشور گسترده ترمی شود

کمیته امور شعب با بررسی وضعیت شعبه های حزب و دفاتر مربوط به شهرستان ها، آخرین وضعیت آن ها را از منظر کمی و کیفی مورد بحث قرار داد. به گزارش روابط عمومی حزب اراده ملت، علی شریفی، رئیس کمیته امور شعب در جلسه ای که در خصوص طرح برخی از موضوعات مرتبط با حضور اعضای این کمیته برگزار شد، به شرح آخرین وضعیت شعبه ها و دفاتر حزب در استان ها و شهرستان های کشور پرداخت.

شریفی با بیان اینکه می توان شعبه ها و دفاتر حزب در کشور را به دسته های مختلفی تقسیم بندی کرد، عنوان کرد: فعال بودن دفاتر حزب و همین طور فعالیت مؤثر آن ها برای ما بیش از پیش دارای اهمیت است. وی با شرح فعالیت شعبه های مختلف حزب، افزود: بر این اساس می توان دفاتر حزبی در سراسر کشور را از حیث فعالیت آن ها در رتبه های مختلفی قرار داد. وی استمرار در فعالیت مؤثر شعبه های فعال را از مزیت های حزبی بر شمرده و گفت: بایستی در راستای فعالیت بیشتر دفاتر حزبی از حزب که به هر دلیل از رنگ کمتری در این مدت برخوردار بوده اند، تلاش کرد. وی همین طور به طرح موضوع شناسایی افراد توانمند و شایسته جهت ایجاد شعبه و دفاتر حزبی در برخی از استان هایی که تاکنون حزب در آن ها دارای تشکیلات نبوده است نیز پرداخت و از اعضای کمیته خواست که بر این موضوع نیز متمرکز باشند. مسئول کمیته امور شعب با اشاره به برنامه ای که در راستای بهبود وضعیت کمی و کیفی شعب و همین طور دفاتر حزبی در دستور کار قرار دارد، گفت: بایستی برنامه ای منسجم و یکپارچه جهت آموزش دبیران استان ها جهت تسلط و شناخت هر چه بیشتر آن ها در واکنش به وضعیت های مختلف مورد توجه قرار گیرد.

شریفی با بیان اینکه کمیته امور شعب بایستی بر تقویت ساختار و بدنه حزبی همت گمارد، مطرح کرد: در این مسیر بایستی تمامی تلاش اعضای این کمیته بر حفظ انسجام و فاق در میان اعضا و شعبه ها باشد. وی فعال کردن دفاتر شهرستان هایی که اکنون اقدامی در آن ها انجام نمی شود و بازگرداندن شور حیات و فعالیت سیاسی را به آن ها از اقدام های اساسی این کمیته بر شمرده و با اشاره به اینکه بایستی شرحی مختصر از گزارش های مرتبط به جلسات کمیته امور شعب جهت رویت اعضای حزب تهیه شود، عنوان کرد: این موضوع در راستای شفافیت و پیگیری هر چه بهتر امور می تواند مورد توجه قرار گیرد. وی با طرح این پیشنهاد که صفحه ای از دوفتنامه حزب و همین طور سایت حاما به کمیته امور شعب و طرح نگرش ها و نظرات دبیران و اعضای حزب در سراسر کشور قرار گیرد، افزود: این مهم می تواند به تقویت و انسجام حزبی، شفافیت در نظرات دبیران حزبی، شناخت امور و مشکلات جاری در نقاط مختلف کشور، آشنایی با دیدگاه های هم حزبی ها و آخرین وضعیت آن شعبه یا دفتر حزبی و پیگیری مطالبات محلی آن ها و ... شود.



سخنگوی حزب اراده ملت ایران

مستقل عمل کردن حزب اراده ملت به معنای مخالفت با اجماع اصلاح طلبان نیست

در حال آماده سازی برای انتخابات شوراهای شهر و روستا هستیم

اسماعیل مختاری سخنگوی حزب اراده ملت در گفت و گو با خبرنگار احزاب و تشکل های گروه سیاسی باشگاه خبرنگاران جوان، با اشاره به برنامه های انتخاباتی حزب متبوع خود برای انتخابات سال آینده گفت: حزب اراده ملت برای انتخابات شوراهای شهر و روستا تلاش های خوبی را آغاز کرده است. در تلاشیم تا مشارکت خوبی را در شهرها و روستاهایی که نیروهایمان در آنجا حضور دارند رقم بزنیم، از همین رو برای آنها کلاس های آموزشی برگزار می کنیم و در نهایت افرادی که از امکان رأی آوری بالایی نسبت به سایرین برخوردار هستند انتخاب خواهند شد.

او ادامه داد: در حال آموزش هستیم و کمک های فکری و آموزشی زیادی به آنها ارائه خواهیم داد؛ بنابراین جلسات متعدد، کلاس های آموزشی و هم فکری بالایی با آنها داریم و در نهایت مشخص خواهد شد که کدام یک از این افراد نامزد حزبی ما خواهند بود. البته در انتخابات ریاست جمهوری نامزد اختصاصی نداریم، اما از یک نامزد اصلاح طلب و همسو حمایت خواهیم کرد.

مختاری افزود: نهاد اجماع ساز اصلاح طلبان یک نهاد تازه است که به تازگی متولد شده و بخشی از برنامه هایی هم که دارد این است که حتماً بر روی افراد صرفاً اصلاح طلب اجماع شود و برنامه های دیگری که دارند را مثبت ارزیابی می کنیم؛ البته مستقل عمل کردن ما به این معنا نیست که با این نهاد مخالف هستیم.

سخنگوی حزب اراده ملت گفت: اگر نهاد اجماع ساز در مدت پیش رویش بتواند به هدف مورد نظر خود برسد بسیار خوب است، البته که مدت زمان بسیار کمی داشته و باتوجه به عملکردی که در سطح اقتصاد و جامعه وجود دارد و باتوجه به عملکرد مجلس قبل و هم دولت فعلی بعید است که بتوان بدنه اصلاح طلبان را در این انتخابات به صحنه آورد، مگر اینکه اتفاق معجزه آسایی در زندگی مردم رخ دهد، وگرنه در این مدت کم اگر این اتفاقات رخ ندهد بعید است که نهاد اجماع ساز بتواند مردم را پای صندوق های رأی بیاورد. فعال اصلاح طلب تأکید کرد: باتوجه به اینکه دولت حسن روحانی توسط اصلاح طلبان روی کار آمد اما پاسخ در خوری نسبت به عملکرد او به مردم داده نشده؛ بعید است که اتفاق خاصی رخ دهد، البته از این نظر که به این جمع بندی رسیده اند که دیگر سمت نامزد اجاره ای نروند اقدام مثبتی است، اما اینکه این موضوع بتواند موجب اجماع مردم شود را کافی نمی دانم، زیرا در حال حاضر مردم بیش از هر چیز دیگری نیاز به پاسخ دارند اما تا حالا پاسخ داده نشده که این عملکرد ضعیف ناشی از چیست؟ البته حرف هایی زده شده، اما کافی نیست.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم
شماره ۳۷

هفته چهارم اسفند ۱۳۹۹



مطالبات





دبیر حامای رزن در گفتگو با حامای نیوز خاطر نشان کرد:

لزوم حفظ منابع تجدیدناپذیر و افزایش تاب آوری محیط زیست در شهرستان رزن و درگزین

تراکمه عنوان کرد: با این مقدمه ضرورت دخالت در کاهش اثرات مخرب چنین اقدامات ضروری به نظر می رسد که نهادهای مدنی برای این خواست وارد عمل شوند و بخشی از آسیب ها کاهش یابد.

«مدیریت منابع آب به عنوان یک خواسته ی عمومی تراکمه افزود: ایجاد کمپین مجازی و تشویق و آگاه سازی مردم در خصوص پیامدهای مخرب برداشت بی رویه و غیرقانونی از منابع آب، پیامدهای زیان بار و غیرقابل جبران فرسایش خاک و منابع طبیعی، استفاده بی رویه و غیر کارشناسی سموم و آفت کش ها، و عدم مدیریت صحیح پسماند در کاشت زیر پلاستیکی در سال ۹۴ شروع گردید و پیامدها و نتایج خوبی را رقم زد.

وی با اشاره به اینکه مدیریت منابع آب به عنوان یک خواسته ی عمومی مطرح شد، گفت: دستگاه های مسئول و ناظر در این حوزه به چالش کشیده شده و جلب مشارکت همه ی دستگاه ها و ادارات مربوطه باعث شد که در کنترل منابع آبی و انسداد چاه های غیرمجاز و قانونمند کردن میزان برداشت چاه های مجاز اقدامات بسیار مناسبی انجام پذیرد و بخشی از آسیب ها کاهش یابد.

وی مطرح کرد: در مورد مدیریت پسماند ناشی از کشت زیر پلاستیکی آموزش های ترویجی هم زمان با اقدامات قضایی انجام گرفت و همین اقدامات باعث متوقف شدن بخشی از آسیب ها شده است. وی افزود: اما اقدامات در خصوص میزان باقیمانده سموم و آفت کش ها در محصولات تولیدی و محیط زیست مسئله ای هست که در کل کشور هم مغفول مانده و هدف گذاری در برنامه های توسعه پنجم و ششم محقق نشده و ضروری است باتوجه به حساسیت موضوع و تأثیر آن بر سلامتی مردم و امنیت غذایی و محیط زیست اقدامات مؤثرتری صورت پذیرد که تا به امروز محقق نشده است.



دبیر حزب اراده ملت ایران در شهرستان رزن با اشاره به شناسایی مطالبات مطرح و دارای اولویت در شهرستان رزن و درگزین، از لزوم حفظ منابع تجدیدناپذیر و افزایش تاب آوری محیط زیست در شهرستان مذکور یاد کرد.

به گزارش حامای نیوز، یوسف تراکمه دبیر حامای در شهرستان رزن در گفتگو با خبرنگار ما در خصوص مطالبات محلی مطرح در شهرستان رزن با بیان اینکه رزن و درگزین در شمال استان همدان واقع شده است، گفت: به لحاظ نوع خاک و منابع آبی فراوان یکی از شهرستان های پیشرو در تولیدات کشاورزی استان

همدان است. تراکمه افزود: عمده محصولات تولیدی گندم، جو که محصول سنتی بوده و تولیدات جدید شامل سیب زمینی، هندوانه و خیار است. وی خاطر نشان کرد: باتوجه به تنش آبی موجود در استان همدان و افت قابل توجه منابع آبی در شهرستان های هم جوار به ویژه فامنین و کبودرآهنگ کشاورزان این دو شهرستان به شهرستان های رزن و درگزین هجوم آورده اند.

وی باتوجه به موضوع ذکر شده، ادامه داد: با اجاره کردن زمین های کشاورزی و حفر چاه های غیرمجاز با اضافه برداشت از منابع آبی و کشت بی رویه و استفاده از سموم و کودهای آلی و فلزات سنگین و برخی مواد غیرمجاز برای افزایش میزان محصول برداشتی اراضی کشاورزی و منابع آبی و خاکی را دچار تنش کردند.

دبیر حامای در شهرستان رزن با اشاره به عدم وجود قانون مشخص در مورد سطح زیر کشت و همین طور سکوت نهادهای قانونی ناظر، یادآور شد: نبود امکانات و آزمایشگاه های دپدور برای سنجش میزان فرسایش خاک و هم چنین نبود بررسی کیفیت محصولات کشاورزی از لحاظ باقیمانده سموم و آفت کش ها و سایر مواد سرطان زا یک چالش کشوری هست که نمود آن در این منطقه به صورت کامل خود را نشان داده است.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم
شماره ۳۷
هفته چهارم اسفند ۱۳۹۹



جامعه و اخلاق



ریشه‌ی تکاملی اخلاق انسانی ۱/



علی هادیان
نویسنده و مترجم حوزه علم برای عموم و مسئول
کمیته آموزش و پژوهش حزب اراده ملت ایران
aaa_hhh17@yahoo.com

رویکرد علمی به حوزه اخلاق شاید در بادی امر بدیع به نظر آید اما دانستن نظر علم و وقوف به آنچه دانشمندان درباره شناخت علمی و مباحث مرتبط با جهان بینی و انسان شناسی علمی، کمک خواهد کرد به این سؤال که جهان از کجا آمده و چطور به وجود آمده یا داده‌های علمی پاسخ بدهیم تا جایی که داده علمی داریم و به این سؤال که انسان چگونه موجودی است و چطور در این سیاره پیدا شده از زیست شناسی تکاملی و از داده‌های علمی استفاده می‌کنیم آن وقت چطور جواب این سؤال را می‌دهیم. پس این طور می‌شود که اگر جهان بینی ما علمی باشد و انسان شناسی ما علمی باشد بعد چه نتایجی در اخلاق و اجتماع خواهد داشت. آیا آن نگاه به جهان و آن نگاه به انسان اینجا الزاماتی و نتایجی دارد یا خیر؟

این سلسله مطالب در واقع گفتارهایی علمی برای عموم بوده است که به صورت سخنرانی ارائه شده، از آنجا که نقدپذیری از ویژگی‌های بارز گزاره‌های علمی به شمار می‌آید بنابراین از مخاطبان انتظار می‌رود اگر نقدی به مباحثی که مطرح می‌شود دارند و یا می‌دانند جایی حرفی بدون منبع زده می‌شود یا به طور کلی این نگاه را بدون اشکال نمی‌بینند و اشکالاتی به آن وارد می‌دانند حتماً نقطه نظرات خود را ارسال کنند تا زمینه شکل‌گیری یک گفتگوی علمی سودمند فراهم آید.

قبل از ورود به بحث جا دارد این را یادآوری کنم که ما داریم به موضوع با یافته‌های علمی نگاه می‌کنیم و مسأله شخصی نیست و از آن جایی که دارم راجع به موضوع صحبت می‌کنم اعتقادی نیست فلسفی نیست و به هیچ نقطه نظری حمله نمی‌کنیم و چیزی را نفی نمی‌کنیم فقط داریم این را می‌گوییم که تا اینجا که علم پیشرفت کرده ظاهراً چنین نتایجی در موضوع اخلاق و سایر مسائل اجتماعی گرفته می‌شود که من آنها را از قول دانشمندان و کسانی که در این زمینه کار می‌کنند نقل می‌کنم. امشب چون اولین بار است که در این گروه صحبت می‌کنم احتمال دارد که بسیاری از مخاطبان محترم مباحث قبلی را تعقیب نکرده باشند من خیلی تیتروار و مختصر می‌گویم تا آن نگاه علمی به جهان و انسان مقداری یادآوری شود و بعد نتایجی که در موضوع امشب یعنی اخلاق انسانی و ریشه اخلاق انسانی را که از کجا آمده و پایه‌های زیستی آن چیست بتوانیم پی بگیریم.

قبل از اینکه ادعا کنیم چیزی راجع به جهان می‌دانیم و چیزی فهمیده ایم اول باید بفهمیم که چه چیزهایی را اصلاً می‌توان راجع به جهان فهمید. ابتدا به ساکن آیا جهان خارج از ذهن ما وجود دارد یا خیر. ما هنوز این را نمی‌دانیم و مطمئن نیستیم. به احتمال زیاد خارج از ذهن ما افرادی وجود دارند و جهانی وجود دارد و ستاره ها و کهکشان ها و همه چیزی که دور و برمان می‌بینیم بیرون ذهن ما است ولی ما هنوز صد درصد نمی‌توانیم این را ثابت کنیم و یقین دکارتی داشته باشیم. موضوع از اینجا شروع می‌شود که چهارصد سال پیش اندیشمندی به نام دکارت و تقریباً پانصد سال پیش از او یکی از خود ما به نام امام محمد غزالی در اثر تحولات اجتماعی به این فکر افتادند که آیا از این به بعد ما می‌توانیم چیزهایی را بگوییم که عوض نشود و بعد نفهمیم اشتباه است. البته امام محمد غزالی خیلی این را پیش نبرد و فقط سؤال را مطرح کرد و پیگیری نکرد ولی دکارت پیگیری بود و نتیجه اش این شد که آن چیزی که از بنای دانش یقینی تا آن موقع ساخته شده بود را ویران کرد. دکارت چیزی را به نام یقین در مقابل شک مطرح کرد که ما از دکارت به بعد به آن یقین دکارتی می‌گوییم یعنی چیزی را واقعا صد در صد بدون کوچکترین تردید بدانیم. اگر می‌گوییم یقین منظورم همین یقین دکارتی است. الان هم که حدود چهارصد سال از دکارت گذشته ما هنوز به گزاره‌هایی نرسیدیم که در آن یقین دکارتی داشته باشیم. پس چاره‌ی ما چیست اینکه می‌پردازیم به بیشترین احتمال درستی به جای یقین. پس کدام دسته از دانسته‌های ما قابل اعتماد هستند؟ اگر حرف از یقین دکارتی می‌زنیم تا الان هیچ کدام قابل اعتماد و غیر قابل شک نیستند و می‌توانید یک شک حتی کوچک و جزئی در آنها پیدا کنید. راهکار ما چیست؟ راهکار ما این است که ببینیم از بین گزاره‌های رقیب در یک مورد خاص کدام احتمال درستی شان زیاد است یعنی به قابلیت اعتماد تکیه می‌کنیم به جای یقین. اگر بخواهیم ببینیم کدام دسته از اعتقادات ما و دانسته‌های ما و دانایی ما قابل اعتماد هستند آن موقع در این سلسله مباحثات ادعا شده که ما بیشترین اعتماد را به علم داریم و گزاره‌های علمی با فاصله‌ی زیاد احتمال درستی شان از گزاره‌های غیر علمی رقیب در همان موضوع بیشتر است. من گاهی از این موضوع این طور تعبیر می‌کنم که ما غیر از علم چیزی نمی‌دانیم. ما می‌توانیم در مورد هر موضوعی تصورات مختلفی داشته باشیم ولی آنچه که قابل اعتماد است و نزدیک به حقیقت است فقط آن چیزهایی است که در علم به آنها رسیده ایم و دانشمندان بر روی آن متفق القول هستند و تعریف ما از علم این



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم
شماره ۳۷
هفته چهارم اسفند ۱۳۹۹



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم
شماره ۲۷

هفته چهارم اسفند ۱۳۹۹

ما دیگر از این به بعد باید بر این مبنا باشد که اینها را جمع بندی کنیم پکیج کنیم که می شود همان علم. با این دیدگاه علم به شما می گوید اگر فرض کنیم جهانی که دور و بر ما است وجود دارد این جهان دارد منبسط می شود. به علاوه ما شواهد خیلی قوی داریم که در گذشته داغ بوده و دلیل اصلی ما این است که همچنان داغی آن را می توانیم اندازه گیری کنیم. موشک های ضد هوایی دیده اید که دنبال حرارت موتور هواپیما می روند تا می رسند به هواپیما و می خورند به آن و منفجر می شوند. ما دستگاهی داریم که می توانیم گرمای خیلی کم را اندازه گیری کنیم و این دستگاه را هر چقدر اطراف جهان می چرخانیم می بینیم که یک گرمای مشخصی از همه دور و بر می آید که البته به دلالی سرد شده که وارد جزئیات آن نمی شوم و قبلا در این مورد صحبت کرده ام دو چیز می دانیم اول اینکه جهان دارد منبسط می شود و دوم اینکه قبلا داغ بوده است از این دو نتیجه می گیریم که جهان در چیزی حدود سیزده و هشت دهم میلیارد سال پیش خیلی داغ و چگال بوده است یعنی فشرده و کوچک و بسیار داغ و از آنجا این جهانی که در آن زندگی می کنیم به وجود آمده و گسترش پیدا کرده و تقریباً می دانیم این کهکشان ها و ستاره ها چگونه تکامل پیدا کرده اند و بعد سیارات و روی سیارات هم موجودات زنده به وجود آمده اند حالا قبل از چیزی که به آن انفجار بزرگ می گویند چه بوده؟ نمی دانیم یک سری حدس هایی می زنیم اما متفق القول نیستیم و شواهد و مدارک دقیقی نداریم که قبل از آن چه اتفاقی افتاده. می گویند آیا جهان از یک انفجار بزرگ آمده می گوئیم بله می گویند خوب قبل از آن چه بوده می گوئیم نمی دانیم اینجا دیگر موضوع شخصی می شود که اگر آنجا را که نمی دانیم می توانیم یک چیزی بسازیم و تخیلی بگذاریم به جای آن اگر آرام مان می کند و خوش مان می آید یا اینکه چیزهایی که نمی دانیم بگوئیم نمی دانیم خوشحال تر هستیم این بسته به خصوصیات و خصلت های فردی است. پس دنیا از انفجار بزرگ به وجود آمد تا می رسیم به چهار و نیم میلیارد سال پیش که سیاره ما شکل می گیرد و پانصد میلیون سال طول می کشد تا حیات اینجا پدید می آید حیات تک سلولی و آنچه که دانش علمی در زیست شناسی تکاملی دارد به ما می گوید این است که این موجودات زنده گیاه یا جانور که ما روی زمین می بینیم و بقیه موجودات مانند آغازیان و غیره تک تک روی کره زمین به وجود نیامده اند

بحث هم این نیست که چه کسی اینها را به وجود آورده و زیاد به آن ربطی ندارد حالا اگر هم کسی به وجود آورده آیا جدا جدا به وجود آورده؟ جدا جدا آنها را طراحی کرده که این مشخصات را داشته باشند؟ دانشی که امروز داریم می گوید اینها جدا جدا به وجود نیامده اند بلکه اینها از هم به طور کاملاً تدریجی تکامل پیدا کرده اند و همینطور که به عقب می رویم می بینیم اینها همه از یک تک سلولی به وجود آمده اند. برای این امر ما انبوه دلایل داریم ولی مدرک اصلی اینکه همه موجودات زنده روی کره زمین از هم و نهایتاً از یک تک سلولی تکامل پیدا کرده اند چیزی است که در همه سلول های زنده وجود دارد به نام DNA و این تغییرات تدریجی کاملاً در این DNA ثبت شده و ما می توانیم تعقیب کنیم و حتی زمان آن تکامل از گونه به گونه دیگر را حدس بزنیم که کی بوده و چه موجودی از چه موجود دیگری تکامل یافته و فسیل ها هم که زیاد هستند و دیگر شواهد که در زیست شناسی فهرست شده اند. علم دارد به ما می گوید که موجودات زنده ی

نیست که چیزهایی که درست است علمی است و چیزهایی که غلط است علمی نیست. یا اینکه هر چه دانشمندان گفتند حتماً درست است. تعریف مختصر و کوتاه ما از علم این است که آن دسته از گزاره هایی را که جامعه علمی آن حوزه تخصصی روی آن متفق القول هستند به آن علمی می گوئیم که در عین حال ممکن است غلط هم باشد ولی بهتر از آن تا الان دیگر نتوانسته ایم کاری کنیم و چیزی که همه دانشمندان با هم متفق القول هستند که درست است بالاترین دستاوردی است که بشر توانسته تا امروز پیدا کند و ملاک علمی بودن را هم همین می گیریم اگر کسی گفت یک گزاره علمی است با تعریفی که تا الان ما قبول کرده ایم و من به شما ارائه دادم این است که اگر این گزاره را برداشتیم بردیم و از هزار دانشمند متخصص در آن حوزه پرسیدیم ۹۹۹ نفرشان بگویند این را ما قبول داریم این را می گوئیم علمی است در عین حال ممکن است ۵۰ سال بعد مشخص شود که غلط بوده است به این ترتیب در حال حاضر در اوایل قرن بیست و یکم در آستانه قرن پانزدهم هجری شمسی ما از مرگ فلسفه هم حرف می زنیم. این به هیچ وجه تحقیر و توهین نیست منظور یک حرف مدیریتی است و بهینه سازی منابع است اینکه تجربه تاریخی ما نشان می دهد با اینکه بنشینیم و فکر کنیم نمی توانیم راجع به جهان چیزی بفهمیم و این خود یک حرف فلسفی نیست یک حرف تجربی است یعنی وقتی تاریخ را می خوانید می بینید که کار فلاسفه حداقل از دکارت به بعد که یک بنای کهنه ویران شد این بوده که یک چیزی بسازند و یک بنای فکری جدید بسازند و نسل بعدی بیایند و ببینند که این بنا ایراداتی دارد و آن را تخریب کنند و یکی دیگر بسازند و همینطور جلو بیایند و این تا الان ادامه پیدا کرده الان در این دورهای که ما زندگی می کنیم خیلی از بزرگ ترین فیلسوفان و بزرگترین اندیشمندان و متفکران گذشته ی بشر آرزویشان این است که چند روز در این دورهای که ما داریم زندگی می کنیم زندگی کنند. ما از همه دستاوردهای آنها ما مطلع هستیم و می توانیم برویم ببینیم چه فکری کرده اند و چه چیزهایی در ذهن خود پرورانده اند و همه داشته های آنها در دست ما است و می توانیم استفاده کنیم و پیشرفت های زیادی در فهم جهان به دست آورده ایم و آنها آرزو دارند که جای ما بودند و چند روز می توانستند اینجا زندگی کنند و این وضعیت فعلی ما را ببینند ما دیگر نمی توانیم همان روش

را ادامه دهیم و این روش به جایی نمی رسد و مقداری افراطی تر حرف من این است که دیارتمان های فلسفه در دانشگاه ها باید تعطیل شوند حتی در فلسفه های مضاف مثل فلسفه زیست شناسی فلسفه فیزیکی اینها هم اگر فکر می کنند که می توانند در روند پیشرفت علمی موثر باشند می توانند بروند در دیارتمان های خود آن رشته. این هم تعبیری است که ما از مرگ فلسفه داریم به این ترتیب به موضوع امشب که نگاه می کنیم اینکه ریشه اخلاق چیست چرا ما وجدان اخلاقی داریم چرا قضاوت های اخلاقی داریم و اینها از کجا آمده دیگر نمی نشینیم فکر کنیم و ریشه ای برای آن پیدا کنیم مثلاً مثل ارسطو یا افلاطون و کانت و همه کسانی که به این موضوع فکر کردند و چیزهایی به ذهن شان رسیده و نوشته اند ما هم همان کار را نکنیم. الان باید شواهد داشته باشیم دلایل داشته باشیم و آزمایش این را به ما بدهد اگر راجع به تاریخ تحولات انسانی داریم حرف می زنیم شواهد و مدارک تاریخی و باستان شناسی ارائه بدهیم. در ژن هایمان در جهان فیزیکی. نظریات



قبل از اینکه ادعا کنیم چیزی راجع به جهان می دانیم و چیزی فهمیده ایم اول باید بفهمیم که چه چیزهایی را اصلاً می توان راجع به جهان فهمید. ابتدا به ساکن آیا جهان خارج از ذهن ما وجود دارد یا خیر. ما هنوز این را نمی دانیم و مطمئن نیستیم. به احتمال زیاد خارج از ذهن ما افرادی وجود دارند و جهانی وجود دارد و ستاره ها و کهکشان ها و همه چیز که دور و برمان می بینیم بیرون ذهن ما است ولی ما هنوز صد درصد نمی توانیم این را ثابت کنیم و یقین دکارتی داشته باشیم



هفته‌نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم
شماره ۲۷

هفته چهارم اسفند ۱۳۹۹

روی سیاره از تکامل تدریجی و یکی از دیگری تکامل یافته اند. برای اینکه در وقت صرفه جوی کم بیشتر به این نمی پردازم و قبلا مفصل صحبت کرده ام. سؤال در مورد انسان پیش می آید و سؤال های زیادی داریم مثل سؤال های پایه ای از جمله اینکه چرا دو جنس هستیم جواب این است که تنوع ژنتیک زادگان و مقاومت آنها در مقابل عوامل بیماری زا و سرعت بیشتری که تکامل دو جنسی نسبت به تک جنسی دارد علت به وجود آمدن گونه های دو جنسی است با اینکه گونه های تک جنسی هم زیاد داریم و موفق هم هستند ولی طبیعت این راه را نیز ادامه داده. بعد می پرسیم چرا تک همسری؟ گونه های مختلفی از جانداران داریم که دو جنسی ولی چند همسر هستند. چرا تک همسر با وجود آمده اند؟ علم امروز به ما می گوید علت آن است که گونه های دو جنسی که زادگان آنها خیلی نارس به دنیا می آیند و نیازهای والدینی آنها بیش از حدی است که مادر به تنهایی بتواند آنها را برآورده کند یا حذف می شوند یا باید جهش ژنتیک مناسب پیدا کنند که تک همسر

بشوند. یعنی زوج شوند و بعد از فصل جفت گیری با هم بمانند و از این زادگان نگهداری کنند که اسمش را ما تک همسری می گذاریم. بعد می رسیم به اینکه اگر یک گونه تک همسر است پس چرا خیانت جنسی می کند اگر نهاد بیولوژیک آن این طور است و الزامات تکاملی داشته؟ علم الان به ما می گوید همین الزامات تکاملی خیانت جنسی را هم توسعه داده به خاطر اینکه آن دلیل اصلی دو جنسی شدن که تنوع ژنتیک و انتخاب بهترین ژن ها است و انتقال آنها به نسل بعد است در تک همسری نقض می شود. بنابراین تک همسرها قاعدتا باید از نظر اجتماعی رعایت کنند که به خیانت جنسی می انجامد. با این نگاه موضوع خانواده مطرح می شود این شکلی که داریم خانواده تشکیل می دهیم کمابیش بعد از اختراع یا کشف کشاورزی در حدود ۱۲ هزار سال پیش این طور شده و بعضی دانشمندان داده هایی را تحلیل می کنند و می گویند قبلش این مدلی نبوده ایم. این داده ها شاید بتوانند توضیح دهند که چرا در سطح وسیع چنین اختلافاتی بین دو عضو اصلی خانواده وجود دارد. هدف تفاوت های جنسیستی ما زادآوری است و به قول هلم فیشر ما تکامل پیدا نکردیم که خوشبخت شویم ما تکامل پیدا کردیم که تولیدمثل بکنیم. بنابراین آیا باید تجدیدنظری در فرم خانواده کنیم و راه دیگری برای خوشبختی جستجو کنیم؟ موضوع بعدی این است که ما وقتی دقیق تر نگاه می کنیم به خلق و خوی انسانی عصبانیت ترس حس خوشایند عشق و تمام احساسات مان علم امروز به ما می گوید همه ی اینها به شدت تحت تاثیر مواد شیمیایی هستند. احساسات ما و رفتار ما و حتی طرز فکر ما عمیقاً تحت تاثیر مواد شیمیایی مختلفی مثل هورمان ها و پیک های عصبی هستند و آنها هستند که خلق و خوی ما را می سازند. نهایتاً اینکه با دانشی که در مورد انسان داریم می رسیم به اینکه عشق یک موهبت بزرگ انسانی است و احساسی است که می تواند به زندگی معنا بدهد و واقعی است و برای اینکه واقعی و عمیق و مقدس باشد نیاز به دخالت ماورا الطبیعه ندارد. اگر کسی بگوید این تعبیرها از انسان اینکه رفتار و احساسات اش تحت تاثیر مواد شیمیایی است و پیدا کردن شریک زندگی اش تحت تاثیر فشارهای تکاملی است این تعبیر موجب می شود که همه ی امور انسانی سطح پایین و بی ارزش به نظر برسند اینجا هم داده های علمی به ما می



می خواهیم بررسی کنیم چرا بعضی رفتارها را ما رفتارهای خوب می دانیم و برخی رفتارها را بد می دانیم می توانیم واقعا چیزهایی را پیدا کنیم که در همه انسان ها مشترک باشد. اخلاق مصداق هایش ممکن است متفاوت باشد اما حسی که ما از یک رفتار اخلاقی و یک رفتار ضد اخلاقی می گیریم کمابیش در همه فرهنگ ها و جوامع مشترک است حتی در طول زمان نیز زیاد تغییر نکرده. بدی را ما درک می کنیم خوبی را هم درک می کنیم متمایل به خوبی کردن هستیم متمایل به خدمت اجتماعی هستیم

گویند این طور نیست و عشق می تواند انسانی ترین سطح بالاترین قوی ترین و خوشایندترین احساسات ما باشد. در گذشته داشته عشق سه مشکل داشته. عشق در همه اساطیر جهان هست در همه ادبیات جوامع مختلف از هزاران سال پیش از آن صحبت شده از جمله در ادبیات خود ما که فراوان داریم و لازم به ذکر نیست. ولی سه مشکل دارد اول اینکه ناپایدار است و وقتی دو طرف به هم می رسند از بین می رود دوم اینکه مستلزم غم و رنج و گریه و زاری است و سوم اینکه مستلزم زندگی معمولی نیست و باید سر به بیابان بگذارد و هر کدام از عاشق و معشوق که می بینیم این طور هستند حالا سؤال این است که این اطلاعاتی که از انسان داریم و دانش ما در مورد نقش مواد شیمیایی و فشارهای تکاملی و غیره آیا می تواند این سه مشکل را برطرف کند و عشقی داشته باشیم که پایدار باشد و با آن خوشحال باشیم نه اینکه همه اش بنشینیم و گریه کنیم و به زندگی اجتماعی و شغل و حرفه و پیشرفت مان بپردازیم و همچنان عاشق باشیم و هیچ مشکلی هم پیش نیاید و از بین

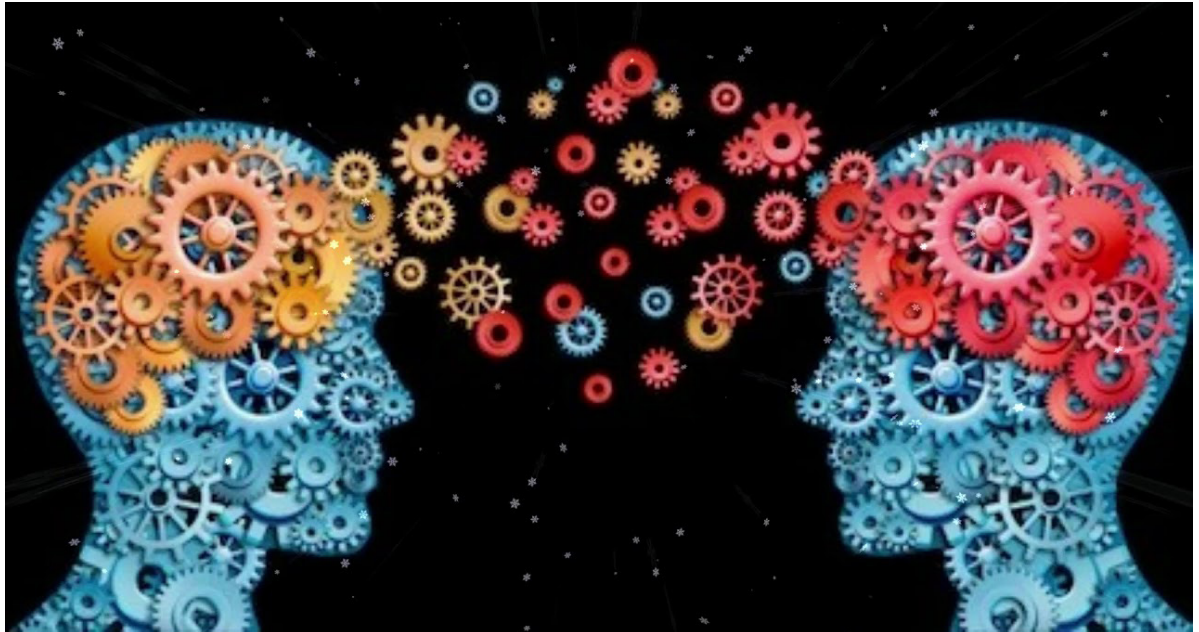
هم نرود؟ جواب به طور خلاصه این است که بله گرچه هنوز دقیق نمی دانیم ولی مثل یک کورسوی نوری که در انتهای یک تونل تاریک بینیم الان یک شبخی از جواب را داریم که امیدوار کننده است و بالاخره می رسیم به ریشه تکاملی یا فرگشتی اخلاق انسانی. حالا ما قبول کردیم که این موجودات از هم تکامل پیدا کرده اند و بالاخره پستانداران به وجود آمدند و رسیده به انسان نماها و این هم شش میلیون سال تکامل پیدا کرده رسیده به گونه ای که الان به آن هومو ساپیس می گویم چه شده که ما موجوداتی اخلاقی هستیم چرا ما خوب و بد سرمان می شود این یک ریشه مابعد الطبیعی دارد یا خیر. می خواهیم بررسی کنیم چرا بعضی رفتارها را ما رفتارهای خوب می دانیم و برخی رفتارها را بد می دانیم می توانیم واقعا چیزهایی را پیدا کنیم که در همه انسان ها مشترک باشد. اخلاق مصداق هایش ممکن است متفاوت باشد اما حسی که ما از یک رفتار اخلاقی و یک رفتار ضد اخلاقی می گیریم کمابیش در همه فرهنگ ها و جوامع مشترک است حتی در طول زمان نیز زیاد تغییر نکرده. بدی را ما درک می کنیم خوبی را هم درک می کنیم متمایل به خوبی کردن هستیم متمایل به خدمت اجتماعی هستیم اینها آیا علتی دارد چرا ما موجودات اخلاقی هستیم جواب کوتاهش این است که بله ما اگر روند تکامل را نگاه کنیم انتظار داریم که تمام رفتارهای یک گونه در اثر فشارهای تکاملی به وجود آمده باشند و می رویم و ریشه اش را پیدا می کنیم البته اطلاعاتی که دانشمندان در این زمینه می دهند به اندازه فکت های علمی معتبر نیستند و انتظار داریم شواهد و مدارک جدیدی در قرن حاضر و قرن های بعدی به دست مان برسد تا مسأله را بهتر بفهمیم و الان فقط یک چارچوب کلی از مطلب می دانیم و کاملاً جا باز است برای اینکه مطلب روشن تر بشود و شواهد و مدارک بیشتری به دست آید و این نظریه ها آزمایش ها و پیش بینی هایی انجام بدهند و بتوانیم زمانی این پیش بینی ها را آزمایش کنیم و این ادعاهایی که امشب از قول دانشمندان مطرح می کنم اعتبار بیشتری به خود بگیرند. مخصوصاً این امید وجود دارد که از بین مخاطبان محترم آنهایی که علاقمند هستند مخصوصاً جوانان از بین آنها زیست شناسان تکاملی و انسان شناسان بزرگی به وجود بیاید کشور ما این پتانسیل را دارد در دوره های تاریخی جلودار قافله علم بوده ایم و من خیلی خوش بین هستم که به آن دوران بر می گردیم الان دویست سال است که



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم
شماره ۲۷

هفته چهارم اسفند ۱۳۹۹



اخلاق چطور در روند تکامل شکل گرفته است؟ آن چارچوب اولیه‌ای که الان دانشمندان از موضوع به دست ما می‌دهند می‌گویند در این چند میلیون سال اخیر مغز ما بزرگ شده که البته جزئیات آن زیاد است و دانشمندان هم روی دلیل اصلی آن هم رأی نیستند. دلایلش را بخواهیم ذکر کنیم می‌گویند که یکی به‌خاطر این است که روی دو پا ایستاده‌ایم مسأله تغذیه هم هست. در یک دوره‌ای ما همه چیز خوار بوده‌ایم و اجداد ما گونه‌های خیلی که ما از آنها تکامل پیدا کرده‌ایم بعضی حتی مردار خوار بودند و از مغز استخوان می‌توانستند استفاده کنند چون ابزارهای سنگی می‌ساختند. استخوان‌های باقی مانده از لاشه‌هایی که حیوانات درنده شکار می‌کردند را می‌شکستند و از مغز استخوانش استفاده می‌کردند. دلایل جغرافیایی و تغییرات آب‌وهوایی را هم ذکر کرده‌اند. برخی هم فشارهای انتخاب جنسی را دلیل اصلی می‌دانند. چون هموساپینس [انسان با نام علمی (Homo sapiens)] «انسان خردمند» یک پستاندار از نوع دوبا و از خانواده انسان‌سایان است [های ماده به خصوصیات ذهنی و اجتماعی نرها مثل حافظه قدرت حل مسأله و غیره که مجموعاً به آن هوش می‌گویند حساس بوده‌اند. یعنی ماده‌ها در هموساپینس‌ها به هوش نرها توجه داشتند چون برای تأمین منابع زادگان‌شان اهمیت داشته ماده‌هایی که به طور اتفاقی به این مسأله حساس بودند زادگان بیشتری از خود به جا گذاشتند و این ژن در جمعیت پخش شده؛ بنابراین فشار تکاملی وقتی روی ویژگی یک نرها متمرکز می‌شود آن ویژگی در طی نسل‌ها به شدت تقویت می‌شود بزرگ می‌شود زیاد می‌شود ما مغزی پیدا کرده‌ایم که خیلی بیشتر از قابلیت بقا برای ما عملکرد دارد مغزی داریم که ما را به کره ماه می‌برد درحالی که گونه‌هایی داریم که با سیستم عصبی بسیار ابتدایی‌تر دارند بقای خود را حفظ می‌کنند و تولیدمثل می‌کنند و کاملاً هم موفق هستند بنابراین یک سری عواملی باعث افزایش حجم مغز ما شده. این به ما امکان داده که به‌صورت گروهی زندگی کنیم که آن هم مزایای تکاملی کاملاً واضحی دارد مثلاً آگاهی از خطر. گونه‌ای که گروهی زندگی می‌کند راحت‌تر از خطرات مطلع می‌شود. آنها می‌توانند با هم همکاری کنند در جمع‌آوری غذا و مجموعاً به بقا و تولیدمثل خود کمک می‌کنند. ما هم به این شکل در گروه‌های ۱۵ تا ۱۵۰ نفره زندگی کرده‌ایم و قابلیت‌هایی که مغز ما به ما داده باعث شده که ما بتوانیم متقلب‌ها را در گروه کشف کنیم که توضیح می‌دهم یعنی چه.

ادامه دارد

ضعیف شده‌ایم. بنابراین کسانی که علاقمند هستند با پیگیری می‌توانند ضعف‌هایی که در این نظریات هست و پاسخ‌هایی را که نمی‌دانیم پاسخ‌هایی که ضعف هستند را تکمیل کنند و ما هم در پیشرفت علم در این حوزه قدم‌های بزرگی بتوانیم برداریم و این اعتماد به نفس را داشته باشیم.

ممکن است کسی بگوید اگر گونه ما یک گونه اخلاقی است ما خوب و بد را رعایت می‌کنیم من کسی را می‌شناسم که اصلاً این چیزها سرش نمی‌شود حسی نسبت به این چیزها ندارد پاسخ این است که در همه گونه‌ها این صفات آماری هستند به‌صورت آماری کشف می‌شوند و بررسی می‌شوند و یک شخص خاص ملاک نیست که از مقدار متوسط انحراف داشته باشد ما مقدار متوسط را توضیح می‌دهیم اینکه بشریت پیشرفت کرده نشان‌دهنده این است که در جهت اخلاقی بودن ما یک معدل مثبت داشته‌ایم گرچه در دوره‌ای در اروپا در دهه ۱۹۶۰ یک حرکت‌های فکری به نام پست‌مدرنیسم به وجود آمد که از اساس هرگونه پیشرفت و دریافت علمی را انکار کرد و وقتی با آنها صحبت می‌کنیم می‌گویند چه پیشرفتی؟ بشریت کجا پیشرفت کرده هنوز هم جنگ داریم و هنوز هم داریم آدم می‌کشیم و خیلی‌ها گرسنه هستند و اینها را پایه و اساس قرار داده‌اند که هرگونه جهت پیشرفت انسانی و مخصوصاً پیشرفت اخلاقی را مورد شک قرار دهند که البته دیگر آن حرف‌ها چندان مطرح نیست گرچه خیلی از روشنفکرهای ما حدود شصت سال از قافله عقب هستند و هنوز آن حرف‌ها را دارند تکرار می‌کنند ولی ما واقعاً جهت پیشرفت در تاریخ می‌بینیم و اگر کسی بگوید شما نمی‌بینید چقدر جنگ‌ها و آدم‌کشی‌ها در دنیا هست جواب آن روشن است شما الان تمام بلایا و مشکلات را چون مطلع می‌شوید می‌توانید جمع بزنید قبلاً مطلع نمی‌شدیم چه کسی می‌فهمید آن طرف دنیا کسی گرسنه است اگر به‌عنوان مثال شما تمام کشته‌های فجایع در یک سال اخیر را در نظر بگیرید شاید قابل مقایسه باشد با فجایع انسانی که در یکی از معادن آمریکا در دوره برده‌داری رخ می‌داده است. در این حد فجایع قبلاً شدیدتر بوده و اینکه ما الان به فناوری مسلح شده‌ایم یکی بگوید این فناوری فقط در جهت غارت و کشتار و زیر پا گذاشتن حقوق انسانی دارد استفاده می‌شود این مقداری سطحی‌نگری است و اگر دقیق‌تر نگاه کنیم این‌طور نیست ما همه‌اش امیدوار هستیم که قدم به جلو بگذاریم و جامعه جهانی به سمت اخلاقی شدن حرکت کند البته فاصله داریم ولی به‌هرحال به جلو می‌رویم. ولی ما چطور به یک گونه اخلاقی تبدیل شدیم



اندیشه توسعه





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم

شماره ۲۷

هفته چهارم اسفند ۱۳۹۹



ما محکومیم به روز آمدی، توسعه اتحاد و گفتگو/ ۳

بدان چه که مأموریت یافته است به درستی بپردازد.

فرض کنید که با عنایت به نزدیکی انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای جمعی به فراخور حال از تعدادی مردم ساکن در محلی دعوت نموده باشند که برای تعیین نوع و نحوه مشارکت در انتخابات و نحوه حمایت از کاندیداهای حرف بزنند و به انتخاب دست ببرند حال اگر در این جمع عده‌ای با اعتقاد به نظم و برنامه بخواهند امور را پیش ببرند و عده‌ای دیگر بخواهند با شوخی و بذله‌گویی حتی اگر در نقد دولت قبل و شورای گذشته باشد حال و هوا در آن مجموعه چگونه خواهد بود آیا جز این خواهد بود که در این جمع قبل و قال بسیار و تصمیم و انتخاب ناممکن خواهد شد؟ بله یقیناً همه ما با چنین نشست‌هایی آشنایی داریم و شوربختانه با چنین نشست‌هایی نتوانسته‌ایم در انتخاب مخصوصاً نمایندگان خود به توفیقی دست پیدا کنیم.

چند روز پیش بنا به دعوت در جلسه‌ای حضور یافتیم که برای بحث و گفتگو در نحوه مشارکت در انتخابات شورای شهر گرد هم آمده بودند در این جلسه که شفاف‌ترین و روشن‌ترین مصداق محفل بود همه در یک فهم مشترک بودند و آن اینکه باید برای شورا افراد زبده و کار آشنایی انتخاب کرد اما چیزی که این اشتراک را به حاشیه می‌برد این مسئله بود که کسی به حرف دیگری گوش نمی‌داد و هر کس حرف خودش را می‌زد یکی می‌گفت شورا نمی‌تواند کاری بکند دیگری می‌گفت



حسین اسدی
پژوهشگر سیاسی و عضو شورای سیاست‌گذاری حمامای استان زنجان

hasanasadi.1338@gmail.com

در چرایی بروز چنین شرایطی امروز می‌خواهم به علت و یا ایتم فرهنگی - اجتماعی دیگری تحت عنوان نگاه محفلی به امور و سرنوشت فردی و جمعی مان بپردازم. محفل را اگر در لغت‌نامه به معنی محل قضا و محکمه و دیوان عدالت. (ناظم‌الاطباء)، محل اجتماع اهل منبر. محل اجتماع و ازدحام. (ناظم‌الاطباء)، مجلسی پُر مردم. □□ بزم. (یادداشت مرحوم دهخدا)، محل اجتماع اهل طرب. محل موافقت و موافقت. محل اتفاق و عهد و پیمان. هنگام فراهم آمدن مردمان. (ناظم‌الاطباء)، مدنظر قرار دهیم معنی با گستره بسیار وسیعی به دست می‌آید که دقیقاً مطابق با حال و روز ماست و یا به عبارتی جمعی را نمایندگی می‌کند که در آن افراد با دیدگاه‌ها و روش‌های ذهنی و عملی مختلف جمع می‌شوند تا به موضوعی عمومی بپردازند و مسلم است که چنین جمعی نخواهد توانست و یا نباید که بتواند



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم
شماره ۲۷
هفته چهارم اسفند ۱۳۹۹



همه مشکلات موجود در جامعه
امروزین ما ریشه در این دارد که وقت
و حوصله توجه به چنین مباحثی را
نداریم و حتی با آنان که می خواهند
ما را وارد در این وادی کنند به نوعی
قهرآمیز و انگیزه کش رفتار می کنیم
و گرنه اگر باور می کردیم که برای
کسب توفیق در همه زمینه های زیستی
- اجتماعی نیاز به این نکته است که
حقیقت که در اصل همان چیزی است
که باید باشد مکشوف گردد و تحقیق
همان آشکارسازی واقعیت و نتیجه
حصول کشفیات یا حقایق است

شورا تنها محلی برای منافع نمایندگان آن است و
قس علی هذا و آنچه که البته در این میانه پرغوغا بر
زمین مانده بود این بود که با این همه منفی نگری و
بی اعتمادی چرا این جمع در یک جا جمع شده و خود
را مکلف می یافت که از افرادی حمایت کند؟

همان طور که قبلاً گفته شد برای تعالی جامعه این
چرخه باید وجود و ادامه داشته باشد سرمایه اجتماعی
- تداوم اجتماعی - هنجارهای جدید - سرمایه
اجتماعی جدید و انباشته حال اگر سرمایه اجتماعی را
محصول نهایی مطالعه وسیع، تردید علمی، علاقه و
کاوش پیگیر بدانیم که برای حل مشکلات و بهبود
شرایط به دست آمده است قطعه یقین باید تداوم
اجتماعی را نوعی ابرام و اصرار بر مطالعه وسیع، تردید
علمی، علاقه و کاوش پیگیر دانست که منتهی به
اصول و تعاریف روشن و تعهدآور و یا الزامی می شود
که با اعتصام بدان می توان سرمایه اجتماعی انباشته
و یا حتی جدیدی را تولید کرد دوستان ممکن است
که به این تصور و یا ذهنیت برسند که چه نیازی به این
است که ما در شرایط فعلی جامعه به چنین مباحثی

بپردازیم و یا وقت خود را صرف این نکته بکنیم که اساساً آیا ما سرمایه ای به نام
سرمایه اجتماعی که حاصل مطالعه وسیع، تردید علمی، علاقه و کاوش پیگیر ما در
ادوار گذشته باشد داریم که اگر داریم آن را در کجا و برای چه کاری انباشته داشته ایم؟
در پاسخ به این سؤال لازم است که به عرض دوستان برسانم که همه مشکلات
موجود در جامعه امروزین ما ریشه در این دارد که وقت و حوصله توجه به چنین مباحثی
را نداریم و حتی با آنان که می خواهند ما را وارد در این وادی کنند به نوعی قهرآمیز
و انگیزه کش رفتار می کنیم و گرنه اگر باور می کردیم که برای کسب توفیق در همه
زمینه های زیستی - اجتماعی نیاز به این نکته است که حقیقت که در اصل همان
چیزی است که باید باشد مکشوف گردد و تحقیق همان آشکارسازی واقعیت و نتیجه
حصول کشفیات یا حقایق است آنگاه بر ما واجب می شد تا ببینیم که برای انجام چه
سطحی از امور و فعالیت ها خود را ملزم به تحقیق می دانیم!!!
برای حسی تر شدن فضا اجازه بدهید کمی به نحوه عمل انسان ورود کنیم و به

این نکته اشاره بکنیم که تعیین موضع و نحوه برخورد
انسان با مشکلات و نیازهای خود در قالب سه واقعیت
شکل می گیرد

۱- مسائل لاینحل و یا مشکلات و گرفتاری های
بغرنج
۲- نتایج عملی نیازمند به اصلاح
۳- نیازمندی های حاصل از تغییر نگاه و یا به
قولی اهداف جدید

یعنی اگر همین امروز به صحن علنی جامعه توجه
شود ما با این سه وجه از شرایطی که ما را در احاطه
خود گرفته است مواجهیم و خود را محتاج پژوهش و
تحقیق می دانیم زیرا که پژوهش و تحقیق عملاً در
راستای حل مشکلات لاینحل، اصلاح نگرش ها و
روش ها و بهبود ساختار و در نهایت رهگشای اهداف
جدید توسعه ای به انجام می رسد و شوربختانه ما با
هیچ یک از این موارد هم راستایی نداریم یعنی نه
مشکل لاینحل داریم از آن جهت که اگر هم باشد
به سادگی از کنار آن گذر می کنیم نه حساسی و
مؤاخذهای از خود می کنیم تا ببینیم که چه اشکالی

در مواضع و اقدامات ما بوده تا با اصلاح آنها دنبال تغییر و بهبود در روش ها و
عملکردها باشیم و در نهایت آنجایی که عملی مصادف با نگرش و روش در قالب
ساختار نداشته ایم و به قولی هدفی را دنبال نمی کرده ایم و هر آنچه که به دست
آورده ایم مطلوب تشخیص می دهیم مطمئناً هدف جدید و افق روشنی در مقابلمان
واقع نمی شود تا برای موفقیت در آن خود را نیازمند به اکتشاف بدانیم و از این روست
که گویی همه چیز مان ساکن است و زمان و تحولات در آن ملموس نیست و گرنه
اگر زمان را در می یافتیم و با مقتضیات آن همراه می شدیم قطعه یقین امروز تسلسل
و تداومی در امورمان دیده می شد و با اتمام هر برنامه ای هنجارهای جدیدی تعریف
می گردید و نهادینه می شد که می توانست تغییر در نگرش ها و ساختارها را الزامی
و قابل تحمل بنماید و مسیر توسعه را هموار و همراهی و همکاری در آن را قابل
تحمل و منعطف بنماید.

(ادامه دارد)





پاپ در دنیای جدید

ایشان شنیده و دیده‌ام.

من حتی دو بار از ایشان (با واسطه) هدیه‌های ارزشمندی گرفته‌ام و ارادتم به ایشان فوق‌العاده است، اما خواستم بگویم در این دیدار آنچه بزرگ‌تر نشان داد، پاپ بود، نه ایشان!

پیرمرد سالخورده‌ای که با پای درد، با شرایط کرونا، با وجود داشتن بیش از یک میلیارد پیرو، با وجود شرایط ناامن عراق، از ایتالیا و واتیکان آمد تا خانه سیستمی تا پیام دوستی بدهد. نمی‌دانم چه مشاورین نخبه‌ای پاپ دارد، نمی‌دانم چطور این فکر بکر به ذهنش رسیده، اما می‌دانم او با این کارش ضمن اعتراف به بزرگی آقای سیستمی که واقعاً هم هست، خودش را بالاتر برد. بخوایم یا نخواهیم او با این کار هنرمندانه نشان داد افق‌های بلندی را می‌بیند و دنیای جدید را شناخته.

من به پاپ این بزرگی‌اش را تبریک می‌گویم.

دلم می‌خواست همه رهبران عالم درک می‌کردند بزرگی در تکبر نیست، بزرگی در حجاب گذاشتن بین خودشان و مردم نیست، بزرگی در فرار از خطر نیست، بزرگی در بالا پنداشتن خود نسبت به دیگران نیست. بالا نشستن، از بالا نگاه کردن، گرفتار شدن در لایه‌های حفاظتی و امنیتی، خود را مستثنی دیدن... همه‌اش کوچکی است. دیدم رئیس‌جمهور آمریکا در برابر فرزند خردسال جورج فلویید زانو زده بود. همان سیاه‌پوستی که توسط پلیس به قتل رسیده بود. برخی گفتند عکس فتوشاپی است، چه اهمیتی دارد!

آیا کسی برابر خانواده‌های فاجعه شلیک به هواپیماهای اوکراینی هم زانو زد، آیا برابر خانواده کشته‌شده‌های در زندان کسی زانو زد، مقابل کسانی که در خشونت‌های خیابانی و بی‌گناه کشته شدند... آیا این جز بزرگی برای زانو زندگان می‌آورد؟ پاپ نشان داد آدم بزرگی است. بایدن نشان داد خیلی داناست. آقای سیستمی نشان داد چقدر فهمیده است. ما همچنان با شمشیر ایستاده‌ایم... و نمی‌توانیم درک کنیم دنیا چقدر تغییر کرده. ما دنیای جدید را درک نکرده‌ایم!



رحیم قمیشی

شانزدهم اسفند روزی تاریخی بود.

پاپ فرانسیس رهبر کاتولیک‌های جهان در نجف به دیدار آقای سیستمی رفت. من قبلاً به خانه آقای سیستمی رفته‌ام، خانه‌ای در نهایت سادگی، شاید با عمر ۵۰

ساله، فکر می‌کنم صدمتر هم مساحت ندارد.

بدون تشریفات پیچیده، فقط چند نگهبان خوش‌برخورد و مردمی داشت که تفتیش ساده‌ای می‌کردند، با توجه به وضعیت عراق و آن سال‌هایی که داعش بسیار فعال بود، طبیعی هم بود.

من چقدر خوشحالم دو رهبر دینی مهم در جهان با هم دیدار کردند. ما چقدر خوش‌شانسیم، در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که رهبران دینی مهم‌اش، این همه بزرگ‌اند و با درک و این همه اقتاده، واقع‌بین و به‌روز.

خیلی‌ها نوشته بودند این عظمت آقای سیستمی بوده که پاپ را به خانه‌اش کشانده، در عظمت فکری و عملی آقای سیستمی شک ندارم. من خیلی از بزرگواری‌های



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم

شماره ۲۷

هفته چهارم اسفند ۱۳۹۹

تکثیر جمعیت امام علی

آن‌ها شکل گرفته و بیشتر شدند و کشوری که این نطفه‌های آینده‌ساز در آن شکل بگیرند به عقب نخواهد رفت.

امروز فکر می‌کردم چه تصور کودکان و خامی است که با منحل کردن جمعیت مردمی امام علی، می‌شود آن را بست. قطعاً دهها جمعیت امام علی از آن بیرون خواهد آمد، مگر می‌شود وقتی کارگران می‌بینند با داشتن سازمان صنفی، از حقوق‌شان بهتر دفاع می‌شود به عقب برگردند و دوباره جماعتی پراکنده و توده‌وار شوند؟!

این عقلانیت نظام سیاسی است که بتواند از آن‌ها بهره بگیرد، اگر عقلانیت در کار باشد.

من برای انحلال جمعیت‌های مردمی هرگز تأسف نمی‌خورم.

مگر با اعدام یک اندیشمند اندیشه‌اش معدوم می‌شود؟ مگر امام حسین با شهادتش از بین رفت؟ مگر چکوارا بعد از مرگش مُرد، مارتین لوتر کینگ چطور؟

مگر طرفداران محیط‌زیست با رفتن به زندان فراموش شدند؟ مگر دفاع از حقوق بشر از بین رفت، دفاع از حقوق زنان، دفاع از حقوق زندانیان، دفاع از حقوق اقلیت‌ها، دفاع از حقوق مالباختگان مؤسسات و بورس، دفاع از حقوق شهدای هوایم‌ای اکرائینی، دفاع از مردم فقیر مرزی، دفاع از معلمانی که حقوقشان کفاف زندگی‌شان را نمی‌دهد، باز نشستگانی که فراموش شده‌اند...

عقلانیتی اگر بود، متولیان این جمعیت‌ها و نهادهای مردمی را به پاس خدمتی که به آینده کشور می‌کنند بر سر دست گرفته و مدال خدمت به آن‌ها می‌داد.

عقلانیتی اگر بود جمعیت‌های محیط‌زیست، تشکل‌های کارگری، دانشجویی

و مردمی را بر شانه می‌گرفت و آن‌ها را به

مردم معرفی می‌کرد؛ برای پیشرفت، راه

همین است. هم به سود حاکمیت هم مردم.

حیف که عقلانیتی در کار نیست.

و نمی‌دانند تشکل‌ها از بین نمی‌روند،

همان‌طور که انتظارات سرکوب نمی‌شوند،

همان‌طور که اندیشه‌ها نمی‌میرند.

تحولات اجتماعی هرگز رو به عقب

نمی‌روند.

من از انحلال جمعیت امام علی نگران

نیستم، نگران حاکمیتی هستم که بدیهیات

را نمی‌داند، تولدهای دوباره را نمی‌بیند،

تحولات را درک نمی‌کند، شناختی از جامعه

ندارد و علم حکومت‌داری را نمی‌داند.

حاکمیت تنها انرژی خود را مصرف

می‌کند، زحمت ایجاد می‌کند و خود را

بدنام‌تر!

شک ندارم جمعیت‌های امام علی‌ای

جوان‌تر، کاراتر، قوی‌تر شکل خواهند گرفت،

انحلال آن‌ها تولدهایی پایان خواهد داشت.

اگر حاکمیت، اگر دولت و اگر وزارت

کشورش بفهمند!

نمی‌دانم وزارت کشور پیشنهاد انحلال پدیده‌شان‌دیز، بعد از افشای لایه‌های متعدد مشکلات اقتصادی‌اش را داد یا نه نمی‌دانم موسسه ثامن منحل شده یا نه موسسه‌های پر از فساد همسریابی، جمعیت‌هایی که بودجه‌های میلیاردی از بیت‌المال می‌گیرند و هیچ تعهدی برای دادن گزارش سود احتمالی وجودشان، هرگز نمی‌دهند!

آیا وزارت کشور پیشنهاد انحلال آن‌ها را هم داده؟!

اما می‌دانم جمعیت امام علی که یک ریال بودجه دولتی نمی‌گرفت، هزاران جوان به صورت داوطلبانه با آن همکاری می‌کردند، دهها هزار محروم و در آستانه فروپاشی زندگی را پوشش می‌داد، با پیشنهاد و پیگیری وزارت کشور دولت تدبیر و امید و به جرم سیاه‌نمایی، منحل شد!

پروژه دکترای من در خصوص جامعه مدنی در ایران بود، اینکه چنانچه‌های مدنی در ایران به خوبی شکل نمی‌گیرند، به عبارت دیگر چنانچه‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد پس از شکل‌گیری از سوی حاکمیت مورد بی‌مهری قرار گرفته و به بهانه‌های مختلف سرکوب می‌شوند.

با این مقدمه مهم که از لوازم اساسی توسعه در هر کشوری، شکل‌گیری نهادهای و جمعیت‌های مدنی است، تشکل‌هایی مانند کانون معلمان، کانون پرستاران، جمعیت دفاع از حقوق بشر، جمعیت دفاع از حقوق زنان، حقوق اقلیت‌ها و...

اصلاً پیشرفت اجتماعی در جوامع توده‌وار (mass society) از نظر علمی غیرممکن است. بحث این موضوع در یک پست کوتاه نمی‌گنجد.

استاد راهنمای من، پروفیسور راثو، نکته

بسیار مهمی را از من پرسید:

«آیا نهادهای مدنی در کشورتان اصلاً

شکل نمی‌گیرند، یا پس از شکل‌گیری از بین

می‌روند؟!»

جواب من همان بود که او منتظرش بود.

تشکل‌های مردمی وجود دارند اما امکان

فعالیت ندارند.

و او با قاطعیت جوابم را داد:

سرکوب تشکل‌های مردمی طبیعی

است، چون حاکمیت‌های متمرکز هرگز

دوست ندارند رقیبی در کنار خود ببینند، اما

آن‌ها چیزی نیستند که با انحلال از بین بروند.

او معتقد بود تحولات و پیشرفت‌های

اجتماعی هرگز رو به عقب نمی‌روند، می‌گفت

حاکمیت عاقل سعی می‌کند با آن‌ها کنار بیاید

و به خدمتشان بگیرد، اما برخورد، تنها به

تکثیرشان می‌انجامد!

بعدها به تجربه دیدم او چقدر دقیق و

درست می‌گفته. تشکل‌های مردمی چه در

دوره اصلاحات و چه بعد از آن تا امروز هرگز

روی خوش از سوی حاکمیت ندیدند، اما



جمعیت امام علی^(ع)
Imam Ali Society



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم

شماره ۲۷

هفته چهارم اسفند ۱۳۹۹



طبیعت و ایرانیان



فرهنگ طبیعت دوستی ایرانیان



فاطمه امامی
پژوهشگر حوزه مسائل آموزش
و قائم مقام کمیته زنان حزب اراده ملت ایران
Femami53@gmail.com

بودن فرهنگ سبز ما را از نظر فعالیتها و آموزشهای محیط زیستی در جایگاه ویژه‌ای در جهان قرار می‌دهد. به اندازه تمام مناسبت‌های قشنگ می‌توانیم مبلغ پیامهای محیط زیستی در جهان باشیم به‌ویژه در مدارس و محیطهای فرهنگی، بیاییم با جشن و سرور به مردم ایران حفاظت از خاک و آب و درخت را بیاموزیم. اگر تک‌تک روزها و مناسبت‌های آن را در جامعه پررنگ‌تر کنیم، آن عشق به طبیعت و فرهنگ مسئولیت‌پذیری محیط زیستی، دوباره در سرزمین ما زنده‌تر می‌شود. ما پدرانی داشتیم که به تکه نان روی زمین بوسه می‌زدند، چون از نظر آن‌ها زحمت کشاورز و آب و زمین و خاک مصرفی آن قابل احترام بوده است.

در هر منطقه‌ای براساس اعتقادات و فرهنگ آن کنشهای اجتماعی و محیط زیستی تغییر می‌کند. در یک بافت مذهبی برای دورریز نان و ریختن زباله در کوچه و یا جوی‌های خیابان باید از واژه‌های خاص آن فرهنگ استفاده کرد. خوشبختانه واژه حق الناس، زیباترین واژه‌ای است که دل هر معتقدی را تکان می‌دهد. یا حیوان آزاری که بسیار به آن تاکید شده است. در بافت‌های دیگر می‌توان از واژه‌ها و تعاریف در خور آن منطقه استفاده کرد، که اثرپذیری بیشتری دارد. فعالیت اجتماعی باید با مطالعه وسیع منطقه‌ای انجام شود تا سرمایه و زمان از دست نرود. مساجد و زینیه‌ها می‌توانند، تربیون آموزشهای محیط زیستی قرار گیرند. در بقیه مناطق با توجه به حساسیت‌های بافت فرهنگی و باستانی آن‌ها، از اسطوره‌های باستانی می‌توان به عنوان تبلیغ مثبت محیط زیستی استفاده بهینه کرد. پس بیاییم از سرمایه تنوع فرهنگی و اجتماعی و باستانی کشور پهناور و زیبای ایران برای مشارکت و همدلی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی استفاده کنیم، سرزمینی آباد خواهد بود که مردمی مسئولیت‌پذیر داشته باشیم.

فرهنگ طبیعت دوستی ایرانیان از قدیم‌الایام و از زمان باستان، نقطه مثبت آن‌ها در ترویج شعارهای محیط زیستی بوده است. ایرانیان در مذهب و آموزه‌های فرهنگی خود، درختکاری و احترام به درخت و آبادانی را داشته‌اند و دارند. در تمام ماهه‌ای سال به‌نوعی طبیعت را احترام می‌گذارند. از آغاز سال با نوروز، سبز شدن و شکوفایی طبیعت را جشن می‌گیرند و ۱۲ روز را برای شادابی و سبزی طبیعت، جشن می‌گیرند و روز آخر تعطیلات را روز طبیعت می‌نامند و به پاس آبادانی و سبزی بهار در کنار طبیعت می‌مانند.

هرچند دیرزمانی است که با ورود به طبیعت رد پای زشتی از خود به‌جای می‌گذارند. شاید به دلیل کم‌رنگ شدن رفتارهای فرهنگی و مذهبی آن‌هاست. ایرانیان که برای جاروب کردن جلوی درب خانه خود، فرهنگ زیبایی ملاقات حضرت خضر را در انتهای پایان ۴۰ روز داشتند، متأسفانه در طبیعت زباله به‌جای می‌گذارند. شاید اگر از آموزه‌های فرهنگی و باستانی کمک بگیریم، بتوانیم در اشاعه رفتارهای مثبت محیط زیستی موفق‌تر باشیم. به‌رحال ما در سرزمینی هستیم که تمام روزهای سال در فرهنگ باستان، به پاسداشت طبیعت جشن و سرور بوده است. اردیبهشت را فصل زیبا و بهشت ماه‌ها می‌دانیم. خرداد میوه‌های اول را داریم. تیر، جشن تیرگان داریم. در مرداد جشن امردادگان داریم و جشن مهرگان و آبان و آذر و ... چقدر فرهنگ ما سبز است! و این غنی



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم

شماره ۲۷

هفته چهارم اسفند ۱۳۹۹



معرفی کتاب افزایش مشارکت سیاسی جوانان از طریق انتخابات

می‌تواند، در حال حاضر این مسئله عدم مشارکت را تا حدودی کم و متوقف سازد. در این رابطه متنی به زبان فارسی در دسترس نبود. کتاب حاضر تلاشی است که سازمان ملل متحد در این راستا انجام داده است. این کتاب روش‌هایی را که در عمل موفق بوده‌اند را از سراسر جهان گردآوری کرده و بر اساس زمان‌بندی متناسب با انتخابات در سه مقطع قبل انتخابات، انتخابات و بعد انتخابات طبقه‌بندی نموده است. تمام توصیه‌های این کتاب نمود عینی دارند و دست کم در یک کشور تجربه شده است که این باعث پربارتر شدن و قابل‌اتکاتر شدن این کتاب گردیده است. ما در مجموعه حزب اراده ملت ایران بر این باور هستیم که این انتقال تجربه جهانی می‌تواند برای کشور و فعالین سیاسی ما به خصوص احزاب و جوانان مفید باشد. علاقه‌مندان می‌توانند برای خرید این کتاب به مبلغ ۳۰ هزار تومان (با هزینه پست) مشخصات خود را به شماره واتساپ ۰۹۳۰۵۴۳۹۵۱۵ پیامک کنند.

هشتمین کتاب انتشارات حزب اراده ملت ایران از سلسله کتاب‌های «گامی با نهادهای مدنی ۳» با عنوان «افزایش مشارکت سیاسی جوانان از طریق انتخابات» منتشر شد.

مترجمین: نرگس مهری، حمیدرضا قانعی، مهدی ضامن

جوانان چه مرد و چه زن، نیروی محرکه هر جامعه‌ای هستند و حضور آنان در احزاب و انتخابات غنیمتی گران‌قدر است. در سال‌های اخیر هم در سطح جهانی و هم در سطح ایران این حضور کم‌رنگ‌تر، حاشیه‌ای و تزئینی شده است. در حقیقت ریشه‌یابی این موضوع قدم اول در راستای حل این مسئله خواهد بود و در قدم‌های بعدی و بر اساس این حقیقت باید به ارائه راهکار پرداخت. اما جدا از این کار ریشه‌ای درازمدت، بعضی روش‌ها و استراتژی‌های تجربه شده



هفته نامه غیربرخط
اراده ملت

سال سوم

شماره ۲۷

هفته چهارم اسفند ۱۳۹۹

معرفی کتاب لزوم اجماع بر سر منافع ملی

هشتمین کتاب از انتشارات حزب اراده ملت ایران با عنوان «لزوم اجماع بر سر منافع ملی» در قالب مجموعه مقالات منتشر شد.
نویسنده: کورش الماسی

کورش الماسی از پژوهشگران حوزه سیاست و فلسفه سیاسی هستند که در سال‌های اخیر تلاش کرده تا از طریق سلسله مقالاتی مفهوم و اهمیت بحث منافع ملی و لزوم به اجماع رسیدن در مورد آن را در بین کنش گران سیاسی و اجتماعی ایران مطرح نماید.

این مقالات در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ در روزنامه‌های مختلفی نظیر شرق، آرمان، ابتکار، همدلی و ... به چاپ رسیده‌اند ولی به علت لزوم و اشکافی دقیق تر این موضوع شایسته بود که این مقالات را در کنار یکدیگر و با نظمی مشخص به سمع و نظر شما کنش ورزان رسانده شود. امیدواریم که این کتاب بتواند گامی در راستای تعمیق اندیشه سیاسی در بین فعالین این عرصه باشد.
علاقه‌مندان می‌توانند برای خرید این کتاب به مبلغ ۳۰ هزار تومان (با هزینه پست) مشخصات خود را به شماره واتساپ ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ پیامک کنند.

در سال‌های اخیر واژه منافع ملی به کرات توسط دولت مردان و فعالین سیاسی اجتماعی بکار رفته است ولی ظاهراً هر کسی استنباط خاصی از این واژه و مفهوم می‌نماید. با توجه به اینکه کلید حل بعضی از مسائل کشور ما، توافق بر مفاهیمی این چنین بنیادین است، انتشارات حزب بر آن شدمی تا در این رابطه کتابی را برای جویندگان حوزه سیاست مهیا نماید. با توجه به کارهای صورت گرفته در این حوزه، ترجیح داده شد مجموعه مقالاتی را که طی سال‌های اخیر از هموند گرامی کورش الماسی در رابطه با این موضوع و موضوعات مرتبط به چاپ رسیده بود باز نشر گردد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم

شماره ۲۷

هفته چهارم اسفند ۱۳۹۹

چرا ساوالان بیرلیگی

به عنوان مثال با وجود اینکه اردبیل قطب کاشت سیب زمینی است ولی ما یک کارخانه مثل چیپس مزمز نداریم یا عدس که به عنوان تولید کننده اول با کیفیت مرغوب در سطح کشور می باشد ولی در کرج بسته بندی می شود یا صنعت فرش اردبیل شناخته شده نیست. باغات میوه اردبیل جزء بهترین باغات میوه در سطح کشور می باشد دروغ از وجود یک کارخانه آب میوه بزرگ به راستی چرا؟

ما برآن شدیم تا علت ها را بیابیم؛ عزیزان هم استانی، مشکینی و خلخالی عزیز، کوثری، موغانی و دیگر شهرهای اردبیل، اگر ما درآمدمان کم هست، اگر روستاها بمان خالی از سکنه شده، اگر آب آشامیدنی مان مناسب نیست، اگر صنعت گردشگری مان می لنگد، اگر راه هایمان خوب نیست و شهرمان شبه تاریکی از اشباح است و رانندگی در جاده های آن مثل کشتی گرفتن با عزرائیل می ماند و اگرهای دیگر ... اگر اندکی دقیق نگاه کنیم دلیل این همه مشکلات اردبیل و مسئولین اردبیلی نیست که به زعم خیلی ها به شهر اردبیل بیش از سایر شهرستان ها توجه می کند مگر اردبیل در مقایسه با دیگر شهرهای کشور نظیر یزد و اصفهان و سمنان و کرمان و مشهد چه دارد و تا چه اندازه آباد است؟

ما هنامه سیاسی اجتماعی ساوالان بیرلیگی به دو زبان ترکی و فارسی و به صاحب امتیازی محمدمامین خدایی، مدیرمسئولی فردین عظیمی و سردبیری محمد کامرانی از آبان ۱۳۹۶ در گستره استان اردبیل منتشر می شود. دست اندر کاران نشریه در شماره نخست ما هنامه چرایی انتشار «ساوالان بیرلیگی» را به شرح زیر بیان داشته اند:

طی بررسی هایی که توسط تیم کارشناسی ما صورت گرفت ما به نتایجی دست یافتیم که اگر آنها را در این نوشتار مطرح کنیم شاید شما نیز به نتایجی که ما رسیده ایم برسید.

در جلسه ای که به خاطر این عنوان تشکیل شد مطرح شد که ما باید ابتدا دلایل عدم توسعه اردبیل را بدانیم که چرا اردبیل باین همه منابعی زیرزمینی و روزمینی، زمین حاصل، نیروی انسانی کارآمد، دامپروری، جاذبه های توریستی و ... چرا پیشرفت قابل توجهی ندارد؟ چرا سرمایه گذاران اندکی تمایل به سرمایه گذاری در این شهر را دارند؟ مگر نه این هست که سرمایه دار به اول چیزی که در سرمایه گذاری فکر می کند و در نظر می گیرد امنیت سرمایه و نیز کاهش هزینه می باشد تا سودش را از این طریق بیشتر کند؟ در پاسخ به این سؤال چه باید گفت؟



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

سال سوم
شماره ۲۷
هفته چهارم اسفند ۱۳۹۹



سوالان بیرلیگی معتقد است که اولین راه این هست که ما مردم استان اردبیل به سیاست‌ها در ایران از چشم اردبیل نگاه کنیم و بدانیم چه چیزی به منافع و چه بر ضرر اردبیل هست. بدانیم که قطب بندهای معروف و تحمیلی سیاسی ببرد ما نخواهد خورد، همان طوری که تاکنون دردی از دردهایمان را دوا نکرده است. حساب کنید بعد از انقلاب اسلامی چند دولت عوض شده است و هر کدام چه چپی چه راستی باشد چه اصول‌گرا و یا چه اصلاح‌طلب و چه میانه‌رو و متعادلش باشد چه فرقی به حاکمان کرده است. این‌طور نیست که این دولت‌ها ثمری و خیری نداشته باشند چرا داشته‌اند مثلاً برخی شهرها بعد از دولت اصلاحات تبدیل به

نه با جا خالی کردن و فرار از برابر مشکلات و بلکه با ایستادن همچون ساوالان
باید همه بدانیم که پیشرفت اردبیل پیشرفت ما ثروتمند شدن اردبیل ثروتمند شدن
ما و توسعه اردبیل توسعه کیفیت زندگی ما می باشد.

[illegible]



امیر خاتمی
رئیس‌جمهور سابق ایران
و مشاور ارشد
مجلس شورای اسلامی

سوال‌های سیرکینی

تلاش برای بازگرداندن روحانیت به نظام



دور از انقلاب
فوق، نه به نام نه به ضد



پای فاکتور نظامیان بانک خنجر
محاکمات ایرانی



روزگار و زمان
مستقیم است



دور از انقلاب
فوق، نه به نام نه به ضد



فرجام خود را می



روزگار و زمان
مستقیم است





امیر هکمتی
 مدیر عامل و مدیر عامل سابق
 شرکت توسعه و عمران
 منطقه آزاد اروند

سازمان میراث فرهنگی

سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری



امیر هکمتی
 مدیر عامل و مدیر عامل سابق
 شرکت توسعه و عمران
 منطقه آزاد اروند

جرم انگاری در ادیان

پرونده های قضائی



امیر هکمتی
 مدیر عامل و مدیر عامل سابق
 شرکت توسعه و عمران
 منطقه آزاد اروند

جرم انگاری در ادیان

پرونده های قضائی



امیر هکمتی
 مدیر عامل و مدیر عامل سابق
 شرکت توسعه و عمران
 منطقه آزاد اروند



راہ راہیں بھر کر اٹھیں
ویر ہوئے کھجور لے کر

ساوالد کبیر کی

سماجی خدمتکار
مہتمم تعلیم و ادب



روزِ جهانی کارگر مبارک ؟؟؟!!

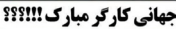
میر تقی
تاج محمد
آزاد خان

عزیزانِ محبت
وفاقیہ خاتون
ہنگوستان

پیر علی شاہ
آرامت و عمر آہ گندہ
آزاد خان

روشنی خان
پیر علی شاہ
آزاد خان

آزاد خان
پیر علی شاہ
آزاد خان



آزاد خان
پیر علی شاہ
آزاد خان

آزاد خان
پیر علی شاہ
آزاد خان

آزاد خان
پیر علی شاہ
آزاد خان

آزاد خان
پیر علی شاہ
آزاد خان

آزاد خان
پیر علی شاہ
آزاد خان

جستجوی های علمی در عصر
تجهیزات نیند و انالیز و محاسبات
تخصصی

مستطیر کمالی



سوال و پاسخ میرعلی کی

آقای مری آزادی که در مورد
حراج از چه راه می تازد



مستطیر کمالی
مستطیر کمالی



آزیز قرمز برای ورزش اردبیل

مستطیر کمالی
مستطیر کمالی



مستطیر کمالی
مستطیر کمالی





مستطیر کمالی
مستطیر کمالی





قائم مقام
مجلس خبری
مجلس
مجلس خبری

سوالهای پیرامون

مجلس خبری
مجلس خبری
مجلس خبری

حقوق کارکنان قبل از سال ۶۹

از این به بعد

مجلس خبری
مجلس خبری
مجلس خبری

بشکه روی واختران با خام

مجلس خبری
مجلس خبری
مجلس خبری

مجلس خبری

مجلس خبری
مجلس خبری
مجلس خبری

مجلس خبری

امید شامی داغ و گوری خالی
جانی داغی



ساوالاند بیر کیسی

قهرمانلارین داغ و گوری خالی
آرزولاری



اینگلیز کیم دیکلمه
تقلید شیدا



میزبان متعهد، از دیروز تا به امروز

اینگلیز کیم دیکلمه
تقلید شیدا



نورانی از انجمن
آرامگاه (آرامگاه)



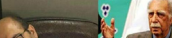


نورانی از انجمن
آرامگاه (آرامگاه)



گروه و پهلوانی از انجمن
مجموعه از این گروه





گروه و پهلوانی از انجمن
مجموعه از این گروه



جاکارین پهلوانی از انجمن
آرامگاه (آرامگاه)





جاکارین پهلوانی از انجمن
آرامگاه (آرامگاه)



مجلس پهلوانی از انجمن
آرامگاه (آرامگاه)





مجلس پهلوانی از انجمن
آرامگاه (آرامگاه)





از چهره‌های ایران
فرید خیرآبادی

سازمانساز میر لکیمی

سازمانساز

معمولی به نام یار جهان
فرید خیرآبادی



مجموعه
کتابهای سازمانساز



فرید خیرآبادی

مشت آهنین در برابر تو و مردم

کتابهای سازمانساز
و تمام مطالب در ویراژ امنی
در کشور

فرید و صاحب
فرید خیرآبادی

من این کتاب را تمام است
آری این کتاب را تمام است
فرید خیرآبادی
فرید خیرآبادی



ایران دموکراتیک گروپ
از تهران

ساوالاند بیر کیسی

ساقی هاریدان
و عتیادی
از تاجیکان



مصدق کتکچی و
میرسانه‌ده از ایران

وقتی زنان بیا می خیزند

فرستادی
از کابل



ابن سنان کاکلی
از پاکستان



ایمنی هاریدان
و عتیادی
از روسیه

هفته‌نامه ایران
از افغانستان و ایران
و آمریکا

شانت هاریدان

ایمنی هاریدان
و عتیادی
از روسیه



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم

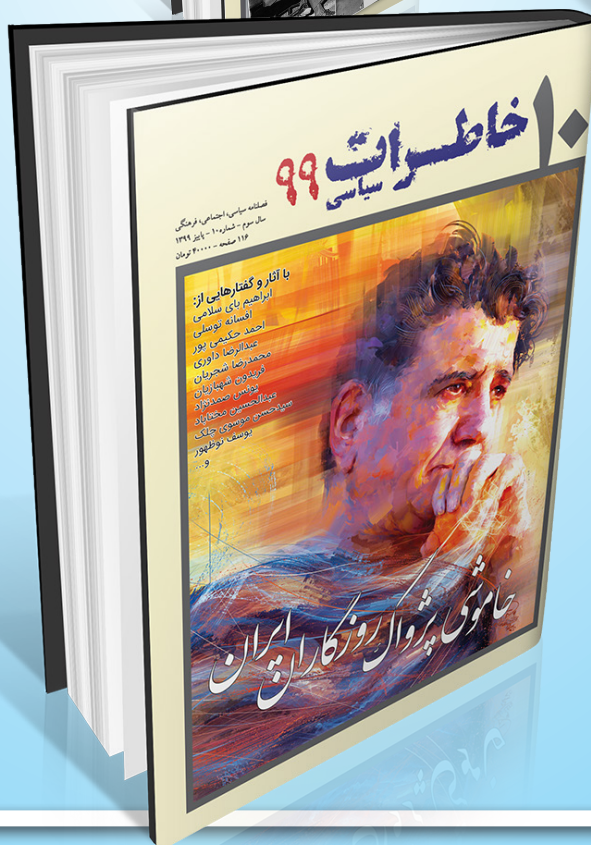
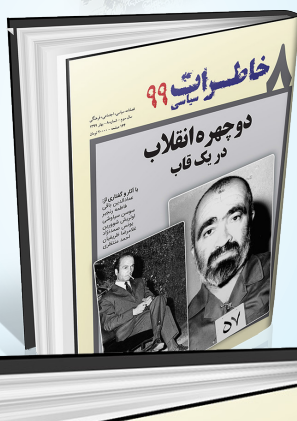
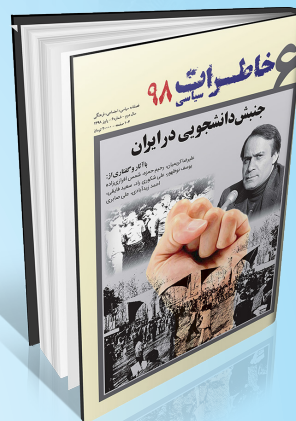
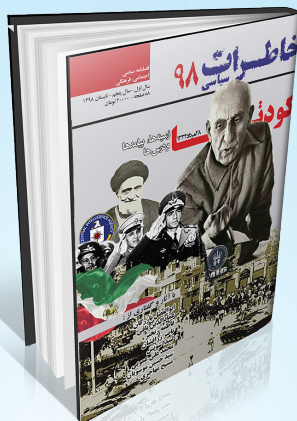
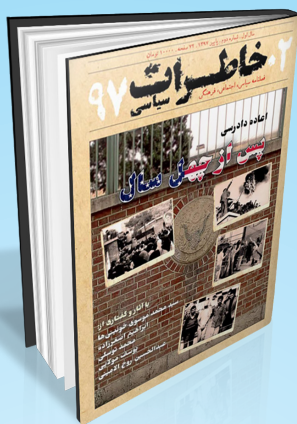
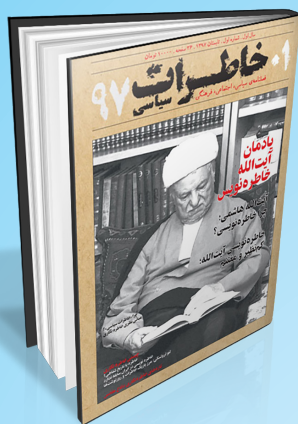
شماره ۲۷

هفته چهارم اسفند ۱۳۹۹



روابط عمومی حزب اراده ملت

شماره تماس ۰۹۳۰ ۵۴۲ ۹۵۱۵



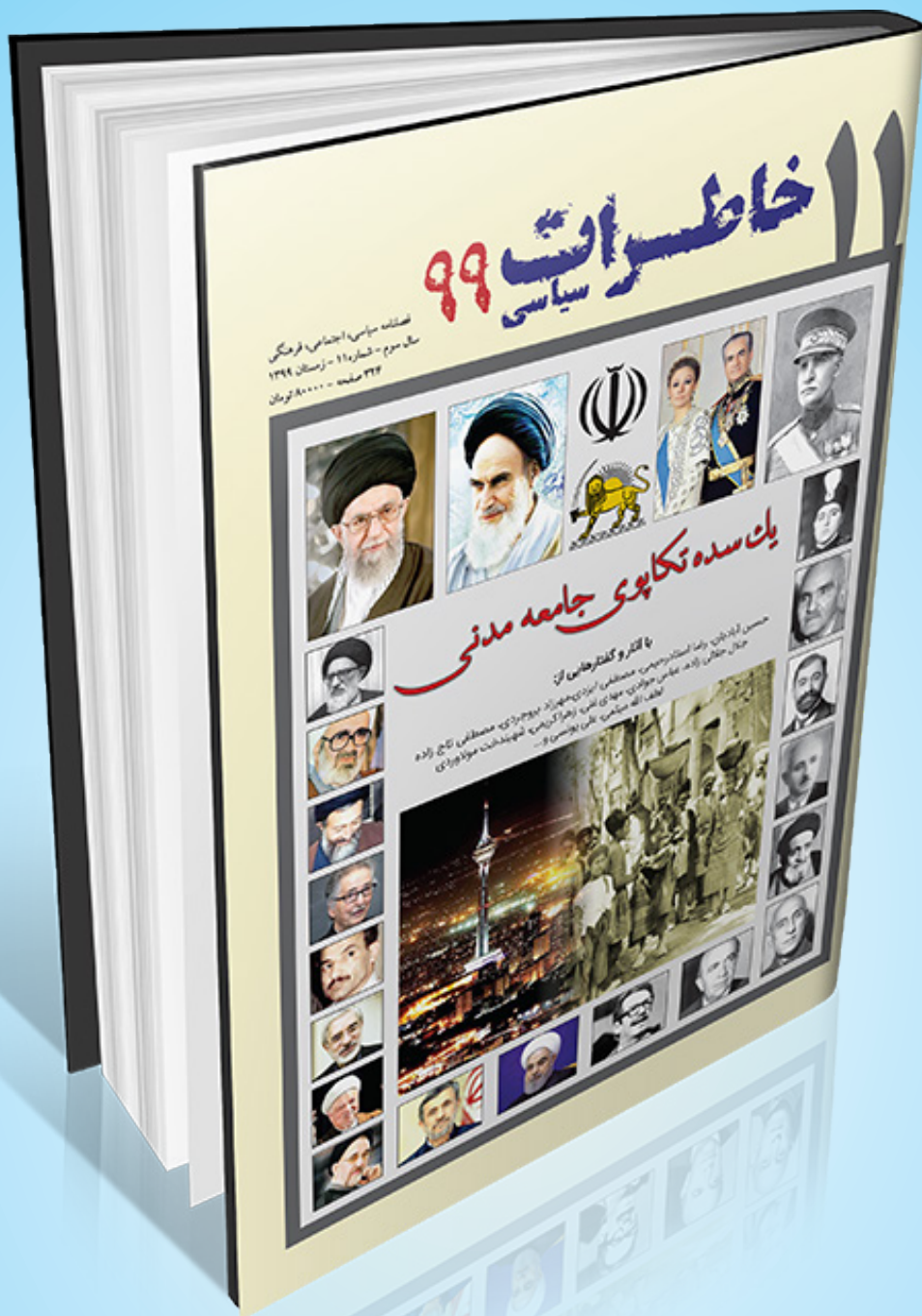


هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم

شماره ۲۷

هفته چهارم اسفند ۱۳۹۹



ویژه نامه پایان قرن فصلنامه خاطرات سیاسی منتشر شد

یازدهمین شماره فصلنامه خاطرات سیاسی در آخرین زمستان قرن و در ۳۲۰ صفحه، منتشر شد. این شماره که به صورت ویژه نامه، مقارن نوروز ۱۴۰۰ انتشار می یابد، به روایت تحلیلی وقایع سیاسی یک صد سال گذشته، با عنوان «یک سده تکاپوی برای جامعه مدنی» اختصاص یافته است. در شماره یازده این فصلنامه، کارنامه ایرانیان در تلاش برای رفع استبداد داخلی و استعمار خارجی، در گفتگو با صاحب نظرانی همچون: علی یونسی، مهرزاد بروجردی، مصطفی تاجزاده، شهیندخت مولوردی، جلال جلالی زاده، زهرا کریمی، حسین آبادیان، مهدی غنی، لطف الله میثمی و... کاویده شده است.

فصلنامه خاطرات سیاسی را که با مدیریت مسئولی احمد حکیمی پور و سردبیری حسن اکبری بیرق منتشر می شود، می توانید از روزنامه فروشی های معتبر و اپلیکیشن طاقچه تهیه نموده، یا مشترک شوید.